

طرح ایران برای مسئله افغانستان از هر جهت با شکست کامل روبرو شده است!

بالاخره پس از آنکه وزارت خارجه ایران و شخص میرحسین موسوی مدتها با بیوق و کربنا پروصدا راه انداختند که "ایران برای حل مسئله افغان نستان" دارای طرح مهمی است که با عنوان کردن آن این مسئله معضل "حل" خواهد شد، روز ۲۵ آبان این "طرح" منتشر شد اما ناظرینی که چشم باین طرح معجزه آسا دوخته بودند با کمال متعجب دیدند که مفتضح ترین طرحی که احتمال

ارائه آن وجود داشت، از سوی آقای میرحسین موسوی خامنه ای نخست وزیر و وزیر خارجه ارائه شد، با این ترتیب مشخص شد که چاروچنال موسوی در مورد تهیه چنین طرحی توسط وزارت امور خارجه که او وزیرش بود (بدون اینکه در مورد محتوای طرح چیزی بگوید) درست در هنگامی که موضوع معرفی نخست وزیر از طرف خامنه ای مسئله روز بود دقیقاً بقیه در صفحه ۱۵

سرفاله



رفسنجانی "گام به گام"

به دنبال بازرگان

ها شمی رفسنجانی یکی از رهبران - و طراحان اصلی سیاستهای رژیم جمهوری - اسلامی و سختگوی غیر رسمی دولت، در نماز جمعه هفته گذشته نطقی ایراد کرد که از جهت گوناگون مشخص کننده سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و نیز موقعیت اقتصادی و سیاسی آنست. اهمیت این سخنرانی سواى اینکه موقعیت وخیم اقتصادى و سیاسى رژیم را نشان میدهد در اینست، که پس از دو سال از برکناری بازگان یکی از نمایندگان با صلاح دیدیکالترین!! جناح کمیت، با صراحتی کم نظیر به دفاع از نظام سرمایه داری و منافع سرمایه داران برخاست و همان مسأله را مطرح کرد که مدتها پیش از جانب دولت فدا انقلابی موقت بازگان طرح شد و مبتنی بر سیاستهای این دولت قرار گرفت.

بازگان که سیاست کامپا م باز - سازی نظام سرمایه داری و اتحاد هر چه نزدیکتر با امپریالیستها را پیشه خود ساخته بود با سرنگونی رژیم سلطنتی به دست توانای توده ها، انقلاب را پایا با فته اعلام کرد. او از توده ها خواست که روال گذشته زندگی را از سرگیرند. او اعلام کرد که دوران انقلاب پایان رسیده است - و دوران "نظم و قانون" و "امنیت فرا - رسیده است. بازگان از سرمایه داران خواست که به سرکار خود با زگردند، سرمایه ها را بحریان اندازند و همانند گذشته به استعمار و غارت کارگران و زحمتکشان ادا مدهند. او تا زمانیکه در برابر قدرت بود، مدام از "خودسری" افراد و گروهها، از فقدان امنیت برای سرمایه، از عدم رعایت قانون، شکوه میکرد و میگفت تا زمانیکه روال گذشته از سر گرفته نشود بقیه در صفحه ۲

درو حاشیه سیاست خارجی رژیم

آیا توسعه روابط اقتصادی - دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای - سوسیالیستی و مترقی دلیل انقلابی، مترقی و خلقی بودن آن است؟

در هفته های اخیر در کناره و فزاینده بحران اقتصادی - سیاسی داخلی و

اخبار گردنستان

دانش آموزان قهرمان سنج با رژیم حماسه آفریدند

برادرت زندان نیست هنگامیکه دانش آموزی دستگیر شده بود، با سایر دانش آموزان را کتک میزدند و مرتب سزا را تقلبی میدادند. چند تن از دانش آموزان دستگیر شده کمک مردم موفق به فرار شدند. حرکت اخیر دانش آموزان مشت محکمی برده ان یا و گویان رژیم و جاسوسان - انجمن های اسلامیست که میخواهند روحیه انقلابی دانش آموزان را خرد کنند. در این تظاهرات جناح راست اکثریت کوشش میکردند تا شعار مرگ بر امریکا از دهن شعارهای ضد رژیم و شعارهای طرفداری از جنبش مقاومت جلوگیری کنند که در این عمل خود موفق نشدند. اما با سدا ران مزدور در جواب آنها شعار میدادند، مرگ بر شوروی.

سنج : درگیری پیشمرگان فدائی و مکررات با مزدوران رژیم در این درگیری از مزدوران بیش از ۱۰ جاش و یاسا رگشته و تعدادی زخمی شدند. ۶۰/۷/۱۹ - در این تاریخ نیروهای بقیه در صفحه ۲

روز ۱۳ آبان ۶۰ به مناسبت سالگرد حماسه دانشگاه، رژیم با عوا مغربینی سعی نمود این روز را متعلق به حزب اللهیها بداند. در سنج با زور و اغراب دانش آموزان را به خبا با آنها کشاندند و با بلندگوها آنها را تشویق به دادن شعار می نمودند. تمام مسیروا هیماشی پر از افراد مسلح سپاه و بسیج و جاشها بود. وقتی دانش آموزان به محل تجمع نزدیک میشوند ناگهان سرود (ای رقیب) را میخوانند و یکباره شور و شوق دانش آموزان، مزدوران را کج می کند. جاشها به پاسداران خبر میدهند که این سرود یک سرود انقلابی است در همین موقع دانش آموزان بخش دیگری از هیماشی سرود (هیزی گول) را میخوانند. در یک لحظه تمام شعارها به نفع نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد میشود. در این هنگام مزدوران رژیم وحشیانه به دانش آموزان یورش آورده و تعدادی از دختران را دستگیر و عده ای را زخمی میکنند. دانش آموزان شعار میدادند "محمل بیاییز همسگرت اعدا میست، محمل بیاییز

در این شماره

گزارش میتینگ هواداران...

جنبش کارگری

اخبار مدارس

ارگان سازمانی و نقش آن

مؤک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوهرهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤد

رفسنجانی

بقیه از صفحه ۱
وسرما به داران با اطمینان کار خود را از سر بگیرند، وضع مملکت بهبود نخواهد یافت. اما در آن زمان جناح مسلط کنونی هیئت حاکمه برهبری بهستی - رفسنجانی که با رقیب لیبرال خود بر سر کسب هژمونی در حاکمیت و سلطه بلامنازع رقابت داشتند، شاید آنه و عوا مفریبا نه سگوشیدند که در برابر بازرگان لیبرال غذا انقلابی و مدافع سرما به داران، خود را انقلابی و طرفدار توده های مردم جا بزنند و امروز پس از گذشت دو سال از برکناری بازرگان، رفسنجانی همان مسائلی را طرح میکند، و همان سیاستی را پیش میبرد که بازرگان مدافع آن بود، و در سخنرانی خود باستانی دیگر همان حرفهای بازرگان را تکرار میکند، او اعلام میکند دوران انقلاب، دوران بی قانونی، دوران هر چه مورج به پایان رسیده است و دوران امنیت و قانون قرار رسیده است، او میگوید باید امنیت سرمایه تا مین شود، او میگوید باید امنیت نسبی که بیان مدافع طبقه سرمایه - داران است، قاطعانه به مرحله اجرا در آید، باید شرایطی پیش آید که سرمایه به داران اطمینان به چپا ول و غارت خود داده دهد، چکیده سخنرانی او این است: "پس چیزی که ما تعقیب میکنیم، اینست که مملکتمان حالت اعتما دبخودش بگیرد، کاسی مطمئن باشد، متخصص مطمئن باشد، کسی که پول دارد که میخواهد بکارد مطمئن باشد، مستضعف به آینه خودش مطمئن باشد، کسانیکه داده عیب سبسی - دارند، در مملکت مطمئن باشند، حدود و حقوق همه تعیین میشود تا با این نقطه شرسیم، نمیتوانیم یک کشور را افتتاحه داشته باشیم".
و این درست همان حرفهای بازرگان از زبان آقای رفسنجانی است، اینبار این رفسنجانی است که بجای بازرگان از سیاست گامیگام مدافع میکند، در راه باز سازی سیاست سرما به داری گامیگامی بردارد، از زمان سرمای به داری مدافع میکند از آنها میخواهد که به سرکار خود با گردند و از فقدان امنیت برای سرمایه و عدم رعایت قانون سرمایه مینالند.

امروز آنچه رفسنجانی را وامی - دارد پس از آنهمه عوامفریبی در دفاع از منافع با مصالح مستضعفین و ضدیت بسا سرما به داران، اینچنین بی پرده و عریان بدفاع آشکارا سرما به بر خرید، افضسای سیاست فریب و دروغ و عوامت بیش از حد اوضاع اقتصادی و موقعیت متزلزل هیئت حاکمه است.
اگر زمانی بازرگان بخودا جا زهی داد که گستاخانه و بی پروا بدفاع نظام سرما به داری برخیزد، پشتوانه او اعتماد ناگما ها نه توده ها به حکومت بود، اما مسامحانه بی پرده سران کنونی هیئت حاکمه از نظام سرما به داری و منافع سرما به داران، بیجان چیزی جز بی اعتمادی توده ها به حاکمیت نیست.
امروز رژیم موجودیت سنگینش را - بر سر نیزه ستوار کرده است، امروز دیگر تمام وعده و وعیدهای دروغین هیئت حاکمه پشتو به افاش شده است و توده های وسیع کارگران و دهقانان، بجای زمین کار و زندگی بهتر با سرکوب روبرو شده اند. در اینجا است که دیگر سیاست تحمیلی توده ها برای حفظ نظام سرما به داری کافی نیست، سیاست دفاع آشکارا سرما به داری جایگزین آن میگردد و این در شرایطی است که بحران اقتصادی بجزان مرحله ای زرش و تگامل خود رسیده است که رژیم بازانو در آورده است و دولت با خزانه ختبی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است.
اکنون دیگر گدب تمام دعا های - حکومت، دفاع از منافع کارگران، دهقانان و دیگر افسار خلقی بر ملا کشیده است، او دیگر از کارگران و دهقانان نمیخواهد که بگردن داد "حکومت مستضعفین برسد، او مستقیما سرما به داران را مورد خطاب قرار میدهد، و از آنها میخواهد که به داد حکومت سرمایه داران برسد، او برای نجات مملکت از فلاکت و ورشکستگی ابتکار انقلابی را از کارگران و دهقانان طلب نمیکند، بلکه بالعکس میخواهد دنیا مقانون و امنیت در هم شکسته و ابتکار عمل را مستقیما در دست خود سرما به داران قرار دهد.
رفسنجانی که تا کنون عوامفریبانه فریاد دفاع از منافع "مستضعفین" را سر - میداد، امروز از پیوند جدا می ناید - حکومت و سرما به داران را بر ملا میا زود

لعنت خود را بشا رگما نی میکند که با چپا ول و غارت بیش از حد مشروعت سرما به داری - خدشه دار نموده و میگوید "چند تا تجا و زرگر باعث شدند که حتی سرما به های مشروع را همنا مشروع جلوه دهند و این تنهایی را بوجود آورند، او به کارگران و دهقانان میگوید که تنها راه نجات از فلاکت و - بدبختی موجود، و آینه نوید بخش تا مین امنیت سرما به، و تن دادن به سلطه سرما به برانه آن است، او در همان حال به دلجویی از سرما به داران میپردازد و از اینکه تا کنون نتوانسته است، امنیت سرما به داران تا مین کند و قاتون سرما به را بنحو کامل اجرا کند، او اظهار رشک مینمی می کند، او میگوید اگر امنیت تنها شد، سرمایه - داران اطمینان برای سرما به گذاری ندارند، او میگوید که سرما به از هر چه مورج و بی نظمی، از نبود امنیت گریزان شده است، او میگوید برای اینکه سرما به داران با بنده اش مطمئن باشد باید بدقا قاتون سرمایه اجرا شود، در یک کلام او با صراحت تمام فریاد میزند که اگر امنیت سرما به تا مین نشود - "مملکت به تنهایی کشیده میشود.
این دفاع آشکارا رفسنجانی نظام سرما به داری و منافع سرما به داران نشان میدهد که هیئت حاکمه تنها راه نجات خود را در توسل بیش از پیش به سرما به داران - وابسته داری و سرما به های امپریالیستی یا فتد است، او هنگامیکه از مشروعت سرما به، حکومت قانون و تا مین امنیت برای سرمایه سخن میگوید، سرما به های امپریالیستی را نیز برای سرما به گذاری در ایران فرا میخواند، اما موقعیت اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه بسیار وخیم تر از آن است که سرما به داران وابسته داری و دولتهای امپریالیستی بتوانند به نجات آن بشتانند. رژیم جمهوری اسلامی در آخرین لحظت عمر ننگینش به هر جا روخا شاکمی جنگ میا نداد، تا خود را از زنا بودی نجات دهد، اما مذا مقهور منقلب فرور میرود. این رژیم تیزوهای مولد جا مع را بسوی - نا بودی سوق داده است و جا مع را بسوی بربریت قرون وسطایی کشانده است، این رژیم قادر نیست جا مع را از فلاکت، ورشکستگی و نا بودی نجات دهد، او با حل بحران نه در راه حل سرما به داران، به طریق - تا مین امنیت برای سرما به، بلکه در - ابتکار انقلابی کارگران و دهقانان و نا بودی امنیت سرما به نهفته است.

ارگان سازمانی

بقیه از صفحه ۱۴
چه تغییراتی کرده و فروکش و خیز آن چگونه در روحیات توده ها عمل میکند؟ نمونه - رشد اعتراضات و با فروکش آن در حقه طبقات و اقشاری محسوس تراست؟ ذکر نمونه - در باره آزادیهای دمکراتیک و جوسو اختناق و سرکوب چه نظراتی وجود دارد؟ ذکر نمونه - در باره با انقلاب و آینه داران چه نظراتی بین توده ها شایع است؟ ذکر نمونه - حوبا لخره اینکه در رابطه با مسائل سیاسی روز دهنیت کار کم تر توده ها چگونه است و این مسائل را چگونه با سایر مشکلات و مسائل خود مربوط میا زود؟ (مسائل روز هواره نمیتوانند تغییر پذیر باشند، از این نظر به جزئیات آن نمی پردازیم.)
گزارشات ضربتی

این گزارشات شامل راهپیمایی میتینگ ها، انتخابات و... میباشند، برای تهیه چنین گزارشاتی طبق تجارب حاصله ضروریست:
از قبیل برای ابتکار آما دگی داشته و تیمهای ۳-۲ نفره را سازماندهی نموده و تقسیم کار و وظایف در آن دقیقا "مورت پذیرد، تمام منطقه باید تحت پوشش قرار گیرد، بطوریکه گزارشات حاصله شامل تمام شهر گردد، گزارشات سریعاً "تنظیم گشته و جدا گشتا فردای آنروز بدیورا نسه ارجاع شوند، در این نوع گزارشات، - پردازختن به:
مسیر حرکت - شعراها - تعداد جمعیت (زن) - مرد - خردسال - ترکیب طبقاتی سن و جنسیت شرکت کنندگان - فعال و غیر فعال بودن آنها در مراسم - با زتساب شعراها و... در توده ها - چگونگی برخورد تمام کارگران و با زتاب حرکت در آنان - عکس العمل نیروهای سرکوبگرا توده ها و بالعکس - چگونگی تجمع و حرکت (پیااده اتوبوس - وانت و...) - نحوه پراکنده شدن آن (با نظم و ترتیب و...) اعلامیه و نشریات پخش شده و با زتاب آن در توده ها توجه و عدم توجه توده ها در هنگام سخنرانی

راهپیمایی و... اظهار نظر توده ها درباره سخنرانی - راهپیمایی - انتخابات و... قبل و بعد از حرکت - اظهار نظر توده ها در رابطه با موضوعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مطروحه در سطح جا مع و ضروری میباشند.
در انتها پیشنهادهای کمی کنیم در این رابطه در حد توان هسته ها کتب و مقالات زیر مورد مطالعه ای جدی قرار گیرند و دوباره و چونند با ره خوانده شود.
نامه به یک رفیق - لنین - اصول تشکیلات حزب (بخش گزارش دهی) کمینترن پیش نویس اعلامیه هیئت تحریریه ایسکرا و زاریا - لنین
یک مسئله مرموز (در کتاب درباره نشریات کارگری منتشر شده) - لنین
در ضمن تمام رفاقمقا له ارگان - سازمانی و نقش آن بخصوص از قسمت ۳ به بعد در دسته ها به بحث و بررسی بگذارند.
علاوه بر مطالعه ای که رفقای دبیرخانه در نامه مان ذکر کرده اند میتوان رهنمودهای زیر را به تمام رفا - به عنوان یک گزارشگر داد.



جنبش کارگری



پالایشگاه تهرانی

فقط در مهرماه سال جاری (۱۳۶۰) - پنج مورد آتش سوزی در پالایشگاه تهران اتفاق افتاد است که منجر به سوختگی جلدی یک کارگر و دو زدن دیگری شد. در یکشنبه گذشته در پنج مورد در نقاط مختلف مثل کارخانه سقالت و قیر سازی، واحد تقطیر جنوبی، و دستگاه کاهش گرانیوی جنوبی بعلل فنی و عدم دقت و یا زرسی صحیح آتش سوزی ایجاد شده است در این آتش سوزی ها کارگر دجا رسوخکی جلدی شده و کارگر دیگری دجا رسوخکی گردیده است. یعنی پالایشگاه تهران در مقدمه گزارش خود در این باره مینویسد: "بعضی حوادث بطور ناگهانی اتفاق می افتند و این تصور غلطی است که اگر فکر نکنیم هیچگونه علل و سبب قبلی مسبب بروز آن نبوده است "گروه ایمنی علل این آتش سوزی ها را آنگونه بودن لوله ها یا داغ به مواد نفتی یا نشت مواد نفتی از لوله ها بعلت بی توجهی دانسته است. اما گروه ایمنی به این مسئله توجه نداشته است که چرا این بی توجهی ها روز بروز بیشتر میشود و چرا دستگاه های کارلازم ضروری را ارائه نداده و موقع تعمیر یا تعویض نمی گردند. و خلاصه اینکه کم کاری و بی علاقه گی نسبت به کارچرا در میان است. کارکنان شایع شده است. اما برهیچ کس پوشیده نیست که بدنیا ل اقدامات و تصمیمات ضد کارگری غرضی و زیر نفست که منجر به ایجاد محدودیت های زیادی برای کارگران شده و چه از نظر مالی و چه از نظر معنوی آنها را در تنگنا قرار داده است. کیفیت کارها با شن آموخته و این قبیل مسائل در چنین شرایطی عادی بنظر میرسد اما ته رژیم جمهوری اسلامی و نه غرضی بعنوان یکی از کشیف ترین مهره های این رژیم ته بیکسر کارگران اندونه بفکر تولید بلکه بفکسر خوبند و تحکیم موقعیت خویش. نمونه سه برخورد زیر نشانگر این واقعیت است. در مورد تعطیل پنج شنبه ها به اطلاع وزیر رساننده اندک اندک بدن کارگران پالایشگاه تهران در روز پنجشنبه هر بار یک میلیون تومان بتاریان شرکت است. وزیر در پاسخ میگوید یک میلیون که هیچ اکثر ده میلیون هم ضرر داشته باشد مهم نیست مهم حاکمیت ما است!

پالایشگاه تبریز

یکی از کارگران پالایشگاه تبریز پس از بیست و پنج ضربه شلاق در محوطه پالایشگاه بیهوش شد. یکی از کارگران نیز بهمانسبیب یکی از همکاران خود را میزند، در اثر بیگیری مسئله شخصی مزبور شناخته نشود. مکتبی ها که بدنیا ل ارشاد دیکر ان

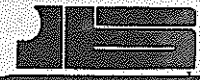
هستند سوا سیمه آرزاه میرسد و حکم الهی را در برابر راه اجرا می کنند. بساط نمایش را در محوطه پالایشگاه میچینند و کارگر مزبور را به شلاق می بندند، او پس از تحمل بیست و پنج ضربه شلاق بیهوش میشود. این عمل خشم و تنفر روی دی را در پالایشگاه تبریز نسبت به سیستم طرز تفکری که میخواهد یک بیماری را جاعه طبقاتی را با شلاق درمان کند بوجود آورده است. میدانیستیم که کارگران بیمانی در شرایط مناسی قرار دارند، مزا یا حقوق آنها به مراتب کمتر از کارگران رسمی است. اغلب در آمد آنها کفاف گذران زندگیشان را نمیکند، امیدی به آینده ندارند، از تمام شغلی برخوردار نیستند، از خراج و بیکاری همیشه مشغول با به هولناکی تعقیبشان میکنند و... حال آنها قیام مکتبی ها میخواهند، فقر و ناداری بیکاری و بی فرهنگی و به عبارت ساده تر اختلافات طبقاتی را با ضربه های شلاق حماقت که بر بیچارگان زاری می آورند از بین ببرند. گویا که ذهن عقب مانده حاکمان کنونی راهی بهتر از این برای حل مشکلات اجتماعیه پیدا نمی کنند، ما رژیم و ما نده جمهوری اسلامی مسلما "با آنها شتن زندانها، کشتن دسته جمعی انقلابیون و مبارزان این کشور و شلاق و تازیانه و زجر و شکنجه، ایجاد محیط رعب وحشت، و اعمال وحشیگریهای قرون وسطایی نمیتوانند نه از بحران اقتصادی خلاص شوند و نه مکتبشان را در میان کارگران اشاعه دهد و نه مشکلی از مشکلات زندگی آنها را حل کند فقط هر روز چهره کشیف و درنده خوی و غیر انسانی آن بیشتر و بهتر نمایان میگردد.

گزارش کوتاه:

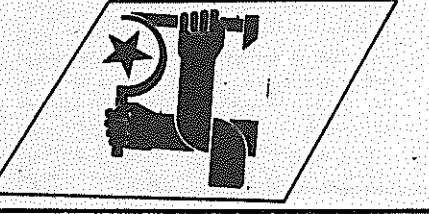
مقدمه:
توضیح مختصری درباره وضعیت کارگران با رانندار
کارگران با رانندار زبنا در ایران اغلب بطور آزاد (نه رسمی و یا پیمانگی) و محروم ترین و زحمتکش ترین افراد جامعه ما میباشند. آنها که عمدتاً از زحمتکشان کرده هستند در سخت ترین شرایط بدون هیچ گونه ضوابط قانونی و اداری شیره جان مکیده میشوند. این کارگران اغلب برای سهولت کار خویش اکیپهای درست کرده و همراه اکیپ نیز برای خود سرکارگری (فورمن) انتخاب میکنند. کارگران با رانندار زبهمین علت (کار جمعی و مشترک) بصورت کمیونهای کوچک می نمایند. آنها همیشه در سرا سگله ها حاضرند و به محض ورود کشتی برای تخلیه بار آماده اند!
آنها در کارگران با رانندار نشانده همبستگی آنهاست.

بندر لنگه

در تاریخ ۶۰/۷/۲۸ کشتی کوچکی که در حدود ۲۰ هزار تن روغن ذرت با راننده بود در اسکله کوچک بندر پهلو گرفت. به علت عدم جای مناسب برای پهلو گرفتن، کشتی نتوانست کاملاً پهلو بگیرد و قسمتی از جلوی کشتی به اسکله چسبید. کارگران کشتی که همگی کارگران زحمتکش بودند سعی میکردند کشتی پهلو بگیرد اما به آسانی ممکن نبود. کارگران بندر کله عمدتاً "معلی بودند با چهره های سیاه - سوخته ما مصمم نظاره گرفتار کارگران کشتی برای پهلو گرفتن بودند. کارگران را نمیشد شمارش کرد، اما کلاً در حدود ۷۰-۸۰ نفر بودند. اکثر آنها جوان و چندانای هم پیر مرد، چند تا بی از کارگران نیز از



چنگ زدگان عرب آبادان بودند. با اواخر به همه تلاش کارگران کشتی نتوانست پهلو بگیرد. بهمین جهت یکی از کارگران کشتی با گذاشتن چند تخته بلند روی کشتی و اسکله میخواست پلی درست کند تا کارگران بتوانند با رانندار را خالی کنند. کارگران با رانندار زبیدن این وضع دست به اعتراض زدند و گفتند: ما به هیچ وجه حاضر نیستیم با رانندار این شکل تخلیه کنیم، سرکار زبنا نه نیز جلوا مده و حرف کارگران را تصدیق کرد و گفت: این اولین کشتی نیست که ما خالی میکنیم. شما باید درست پهلو بگیرید تا ما بتوانیم با خیال راحت با رانندار خالی کنیم. این کار توپشایی دوتا که نیستند؟ بگویم بین طرفین آغاز شد، از یک طرف کارگران کشتی حاضر قبول حرف کارگران با رانندار زبیدند و از طرف دیگر کارگران با رانندار کشتی پهلو نگرفتند. درگیری ادامه داشت. کارگران نسبتاً "گناه کشتی نزدیک شد و به سرکار زبنا زنگ زد: دوست عزیز! آنچه تو میگی درست است، اما این مسئله با دعوا حل نمیشه، اتحاد شما خیلی خوبه، سعی کنید حفظ کنید، فقط سعی کنید با ما که مثل خود شما ها کارگریم درست برخورد کنید. من میگویم کشتی تا پهلو نگرفته با رانندار خالی نکنید. با اواخر بر اثر اتحاد همبستگی کارگران با رانندار زبکشتی ناگزیر به پس و پیش کردن شد تا با قبت پهلو گرفت. کارگران با رانندار شروع به تخلیه کردند. در طول یکروز (نزدیک به ۸ ساعت) ۱۵/۰۰۰ کارتون روغن که هر کدام ۶ عدد گالن زنده با اتحاد همه کارگران و زحمتکشان ایران وجهان کارخانه ایسکوب مراغه کارگران این کارخانه در شرایط سخت و طاقت فرسا و فشار بسیار مشغول به کار هستند. در این کارخانه سطح دستمزدها پائین، قریب ۸۳۰ ریال و ۶۳۰۰ ریال در ازای روزی ۹ ساعت کار میباشند. کسه روزی ۳۰ ریال به عنوان حق بیمه از آن کسر میشود که بعد از ۵ سال هنوز هم دفترچه بیمه ای برای هیچ کارگری صادر نشده است. اخیراً "مهندس بها" رسا رسا "اعتراض نموده که میبایست به جای دستکش های صنعتی محافظ ۳۵۰ ریالی دستکش های ۲۲۰ ریالی خریداری نماید و در عرض ۵ سال ۵ برابر بودجه تصویب شده برای اتمام کار (؟) به حساب مهندس ریخته شده ولی تا حالا یک دوم کارها هم انجام نشده است و... در چنین جوی از فشار بر کارگران از طرف مهندس سرپرست شرکت مذکور، در روز ۶۰/۷/۲۸ از آنکه مهندس به کارگران که در ساعت ۱۰ صبح طبق معمول مشغول صرف میباشند بودند شدیداً "توهین و اعتراض میکند. کارگران در مقابل این اعتراض و توهینهای که براننده خودش بود تصمیم به انتقام گرفتند. برای خود می کنند که در مقابل همه حق کشتی های مهندس از منافع انسان دفاع نمایند. با ایستادن به پیروزی کارگران و زحمتکشان.



جنبش کارگری

شیراز



اعتراض کارگران پالایشگاه به بخشنامه ارتجاعی وزیر نفت همچنان ادامه دارد. بنقل از خروش شماره ۷ - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

بدنبال بخشنامه ارتجاعی و ضدکارگری وزیر نفت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها و کسر در صد حق کارگزاران پالایشگاه شیراز برای مقابله با اینگونه بخشنامه‌های ضدکارگری متحدان "تعمیم گرفتند که طبق معمول پنجشنبه‌ها بسرکارشروند و هیچ اعتنایی به اینگونه قوانین ضدکارگری نکنند.

در تاریخ پنجشنبه ۶۰/۶/۲۶ کارگران مبارزان زرفتن بسرکار خودداری کرده و اتحاد و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند این اقدام انقلابی کارگران پالایشگاه نشان داد که تنها در پرتو اتحاد و تشکلی است که میتوان پوز سرما به داران را به خاک مالیده و حقوق حقه خود را بدست آورد همچنین در اقدام این حرکت کارگران مبارزان در پنجشنبه گذشته علیرغم خطرناکی که کنشی به مدبر پالایشگاه برای تکلیف کارگران و کارکنان صادر کرده بود سایر کارخانجات و واحدهای اتحاد خود را برای بازی گرفتن ۴۰ ساعت کار در هفته نشان دادند. لازم به تذکر است که در این اعتصابات تنها ۲۸ نفر شرکت نکرده که این تعداد انجمنهای اسلامی، بندهای او کثرتی تشکیل میدادند. این اعتصاب از زمان پیش خوبی برای بررسی نیروهای درون پالایشگاه بود و کارگران خوبی چهره‌های ضدکارگری را در بین خود شناسایی نمودند. ماضن تا کنون این اقدام انقلابی به کارگران هشدار میدهد که رژیم برای شکستن این حرکت انقلابی سعی دارد سیاست تفرقه را به اجرا گذارد و با ایجاد تفرقه در کارگران جلوی حرکت را سد نماید و طبقه کارگران انقلابی و مبارزان است که با تحکیم اتحاد و همبستگی در مقابل اینگونه اعمال متحد و یکپارچه ایستادگی نموده و قدرت لایزال خود را بیش از پیش به نمایش گذارند. بوی تشکیل صندوق اعتصاب و کمیته‌های مقاومت در برابر اجزای توطئه‌های ضدکارگری رژیم را خنثی نموده و با طرد عناصر سازشکار از بین خود صفوف خود را فشرده تر سازیم.

در تاریخ چهارشنبه اول مهرماه در رابطه با تعطیلی پنجشنبه‌ها از طرف شورای با صلاح اسلامی کارگران مجمع عمومی تشکیل شده بعلت عدم اطلاع کلیه کارگران تنها ۱۵۰ تن در این مجمع شرکت نمودند. در ابتدا نماینده توده‌ای شورا با حالتی تهدیدآمیز مطرح کرد که سبکبست کارگران روزهای پنجشنبه سبک حاضر شوند. اما از طریق قانونی و مذاکراتی که با وزیر نفت انجام داده و موافقت میزایا نموده مسئله را دنبال می‌کنیم و در ادامه صحبت‌های خود سیاستهای ضدکارگری رژیم را نیز توجیه مینمود که با مخالفت شدید کارگران روبرو گردید (لازم به تذکر است که فردی را که شورا برای مذاکره به تهران فرستاده بود در روز سه شنبه ۶۰/۶/۳۱ به

شیراز آمده ولی چون چیزی برای گفتن نداشته اصلاً به پالایشگاه نرفت یکسایز کارگران در جواب گفت که ما تعطیلی پنجشنبه را در سالهای ۵۰ - ۵۱ تا ۵۲ تا ۵۳ تا ۵۴ تا ۵۵ تا ۵۶ تا ۵۷ تا ۵۸ تا ۵۹ تا ۶۰ تا ۶۱ تا ۶۲ تا ۶۳ تا ۶۴ تا ۶۵ تا ۶۶ تا ۶۷ تا ۶۸ تا ۶۹ تا ۷۰ تا ۷۱ تا ۷۲ تا ۷۳ تا ۷۴ تا ۷۵ تا ۷۶ تا ۷۷ تا ۷۸ تا ۷۹ تا ۸۰ تا ۸۱ تا ۸۲ تا ۸۳ تا ۸۴ تا ۸۵ تا ۸۶ تا ۸۷ تا ۸۸ تا ۸۹ تا ۹۰ تا ۹۱ تا ۹۲ تا ۹۳ تا ۹۴ تا ۹۵ تا ۹۶ تا ۹۷ تا ۹۸ تا ۹۹ تا ۱۰۰ تا ۱۰۱ تا ۱۰۲ تا ۱۰۳ تا ۱۰۴ تا ۱۰۵ تا ۱۰۶ تا ۱۰۷ تا ۱۰۸ تا ۱۰۹ تا ۱۱۰ تا ۱۱۱ تا ۱۱۲ تا ۱۱۳ تا ۱۱۴ تا ۱۱۵ تا ۱۱۶ تا ۱۱۷ تا ۱۱۸ تا ۱۱۹ تا ۱۲۰ تا ۱۲۱ تا ۱۲۲ تا ۱۲۳ تا ۱۲۴ تا ۱۲۵ تا ۱۲۶ تا ۱۲۷ تا ۱۲۸ تا ۱۲۹ تا ۱۳۰ تا ۱۳۱ تا ۱۳۲ تا ۱۳۳ تا ۱۳۴ تا ۱۳۵ تا ۱۳۶ تا ۱۳۷ تا ۱۳۸ تا ۱۳۹ تا ۱۴۰ تا ۱۴۱ تا ۱۴۲ تا ۱۴۳ تا ۱۴۴ تا ۱۴۵ تا ۱۴۶ تا ۱۴۷ تا ۱۴۸ تا ۱۴۹ تا ۱۵۰ تا ۱۵۱ تا ۱۵۲ تا ۱۵۳ تا ۱۵۴ تا ۱۵۵ تا ۱۵۶ تا ۱۵۷ تا ۱۵۸ تا ۱۵۹ تا ۱۶۰ تا ۱۶۱ تا ۱۶۲ تا ۱۶۳ تا ۱۶۴ تا ۱۶۵ تا ۱۶۶ تا ۱۶۷ تا ۱۶۸ تا ۱۶۹ تا ۱۷۰ تا ۱۷۱ تا ۱۷۲ تا ۱۷۳ تا ۱۷۴ تا ۱۷۵ تا ۱۷۶ تا ۱۷۷ تا ۱۷۸ تا ۱۷۹ تا ۱۸۰ تا ۱۸۱ تا ۱۸۲ تا ۱۸۳ تا ۱۸۴ تا ۱۸۵ تا ۱۸۶ تا ۱۸۷ تا ۱۸۸ تا ۱۸۹ تا ۱۹۰ تا ۱۹۱ تا ۱۹۲ تا ۱۹۳ تا ۱۹۴ تا ۱۹۵ تا ۱۹۶ تا ۱۹۷ تا ۱۹۸ تا ۱۹۹ تا ۲۰۰ تا ۲۰۱ تا ۲۰۲ تا ۲۰۳ تا ۲۰۴ تا ۲۰۵ تا ۲۰۶ تا ۲۰۷ تا ۲۰۸ تا ۲۰۹ تا ۲۱۰ تا ۲۱۱ تا ۲۱۲ تا ۲۱۳ تا ۲۱۴ تا ۲۱۵ تا ۲۱۶ تا ۲۱۷ تا ۲۱۸ تا ۲۱۹ تا ۲۲۰ تا ۲۲۱ تا ۲۲۲ تا ۲۲۳ تا ۲۲۴ تا ۲۲۵ تا ۲۲۶ تا ۲۲۷ تا ۲۲۸ تا ۲۲۹ تا ۲۳۰ تا ۲۳۱ تا ۲۳۲ تا ۲۳۳ تا ۲۳۴ تا ۲۳۵ تا ۲۳۶ تا ۲۳۷ تا ۲۳۸ تا ۲۳۹ تا ۲۴۰ تا ۲۴۱ تا ۲۴۲ تا ۲۴۳ تا ۲۴۴ تا ۲۴۵ تا ۲۴۶ تا ۲۴۷ تا ۲۴۸ تا ۲۴۹ تا ۲۵۰ تا ۲۵۱ تا ۲۵۲ تا ۲۵۳ تا ۲۵۴ تا ۲۵۵ تا ۲۵۶ تا ۲۵۷ تا ۲۵۸ تا ۲۵۹ تا ۲۶۰ تا ۲۶۱ تا ۲۶۲ تا ۲۶۳ تا ۲۶۴ تا ۲۶۵ تا ۲۶۶ تا ۲۶۷ تا ۲۶۸ تا ۲۶۹ تا ۲۷۰ تا ۲۷۱ تا ۲۷۲ تا ۲۷۳ تا ۲۷۴ تا ۲۷۵ تا ۲۷۶ تا ۲۷۷ تا ۲۷۸ تا ۲۷۹ تا ۲۸۰ تا ۲۸۱ تا ۲۸۲ تا ۲۸۳ تا ۲۸۴ تا ۲۸۵ تا ۲۸۶ تا ۲۸۷ تا ۲۸۸ تا ۲۸۹ تا ۲۹۰ تا ۲۹۱ تا ۲۹۲ تا ۲۹۳ تا ۲۹۴ تا ۲۹۵ تا ۲۹۶ تا ۲۹۷ تا ۲۹۸ تا ۲۹۹ تا ۳۰۰ تا ۳۰۱ تا ۳۰۲ تا ۳۰۳ تا ۳۰۴ تا ۳۰۵ تا ۳۰۶ تا ۳۰۷ تا ۳۰۸ تا ۳۰۹ تا ۳۱۰ تا ۳۱۱ تا ۳۱۲ تا ۳۱۳ تا ۳۱۴ تا ۳۱۵ تا ۳۱۶ تا ۳۱۷ تا ۳۱۸ تا ۳۱۹ تا ۳۲۰ تا ۳۲۱ تا ۳۲۲ تا ۳۲۳ تا ۳۲۴ تا ۳۲۵ تا ۳۲۶ تا ۳۲۷ تا ۳۲۸ تا ۳۲۹ تا ۳۳۰ تا ۳۳۱ تا ۳۳۲ تا ۳۳۳ تا ۳۳۴ تا ۳۳۵ تا ۳۳۶ تا ۳۳۷ تا ۳۳۸ تا ۳۳۹ تا ۳۴۰ تا ۳۴۱ تا ۳۴۲ تا ۳۴۳ تا ۳۴۴ تا ۳۴۵ تا ۳۴۶ تا ۳۴۷ تا ۳۴۸ تا ۳۴۹ تا ۳۵۰ تا ۳۵۱ تا ۳۵۲ تا ۳۵۳ تا ۳۵۴ تا ۳۵۵ تا ۳۵۶ تا ۳۵۷ تا ۳۵۸ تا ۳۵۹ تا ۳۶۰ تا ۳۶۱ تا ۳۶۲ تا ۳۶۳ تا ۳۶۴ تا ۳۶۵ تا ۳۶۶ تا ۳۶۷ تا ۳۶۸ تا ۳۶۹ تا ۳۷۰ تا ۳۷۱ تا ۳۷۲ تا ۳۷۳ تا ۳۷۴ تا ۳۷۵ تا ۳۷۶ تا ۳۷۷ تا ۳۷۸ تا ۳۷۹ تا ۳۸۰ تا ۳۸۱ تا ۳۸۲ تا ۳۸۳ تا ۳۸۴ تا ۳۸۵ تا ۳۸۶ تا ۳۸۷ تا ۳۸۸ تا ۳۸۹ تا ۳۹۰ تا ۳۹۱ تا ۳۹۲ تا ۳۹۳ تا ۳۹۴ تا ۳۹۵ تا ۳۹۶ تا ۳۹۷ تا ۳۹۸ تا ۳۹۹ تا ۴۰۰ تا ۴۰۱ تا ۴۰۲ تا ۴۰۳ تا ۴۰۴ تا ۴۰۵ تا ۴۰۶ تا ۴۰۷ تا ۴۰۸ تا ۴۰۹ تا ۴۱۰ تا ۴۱۱ تا ۴۱۲ تا ۴۱۳ تا ۴۱۴ تا ۴۱۵ تا ۴۱۶ تا ۴۱۷ تا ۴۱۸ تا ۴۱۹ تا ۴۲۰ تا ۴۲۱ تا ۴۲۲ تا ۴۲۳ تا ۴۲۴ تا ۴۲۵ تا ۴۲۶ تا ۴۲۷ تا ۴۲۸ تا ۴۲۹ تا ۴۳۰ تا ۴۳۱ تا ۴۳۲ تا ۴۳۳ تا ۴۳۴ تا ۴۳۵ تا ۴۳۶ تا ۴۳۷ تا ۴۳۸ تا ۴۳۹ تا ۴۴۰ تا ۴۴۱ تا ۴۴۲ تا ۴۴۳ تا ۴۴۴ تا ۴۴۵ تا ۴۴۶ تا ۴۴۷ تا ۴۴۸ تا ۴۴۹ تا ۴۵۰ تا ۴۵۱ تا ۴۵۲ تا ۴۵۳ تا ۴۵۴ تا ۴۵۵ تا ۴۵۶ تا ۴۵۷ تا ۴۵۸ تا ۴۵۹ تا ۴۶۰ تا ۴۶۱ تا ۴۶۲ تا ۴۶۳ تا ۴۶۴ تا ۴۶۵ تا ۴۶۶ تا ۴۶۷ تا ۴۶۸ تا ۴۶۹ تا ۴۷۰ تا ۴۷۱ تا ۴۷۲ تا ۴۷۳ تا ۴۷۴ تا ۴۷۵ تا ۴۷۶ تا ۴۷۷ تا ۴۷۸ تا ۴۷۹ تا ۴۸۰ تا ۴۸۱ تا ۴۸۲ تا ۴۸۳ تا ۴۸۴ تا ۴۸۵ تا ۴۸۶ تا ۴۸۷ تا ۴۸۸ تا ۴۸۹ تا ۴۹۰ تا ۴۹۱ تا ۴۹۲ تا ۴۹۳ تا ۴۹۴ تا ۴۹۵ تا ۴۹۶ تا ۴۹۷ تا ۴۹۸ تا ۴۹۹ تا ۵۰۰ تا ۵۰۱ تا ۵۰۲ تا ۵۰۳ تا ۵۰۴ تا ۵۰۵ تا ۵۰۶ تا ۵۰۷ تا ۵۰۸ تا ۵۰۹ تا ۵۱۰ تا ۵۱۱ تا ۵۱۲ تا ۵۱۳ تا ۵۱۴ تا ۵۱۵ تا ۵۱۶ تا ۵۱۷ تا ۵۱۸ تا ۵۱۹ تا ۵۲۰ تا ۵۲۱ تا ۵۲۲ تا ۵۲۳ تا ۵۲۴ تا ۵۲۵ تا ۵۲۶ تا ۵۲۷ تا ۵۲۸ تا ۵۲۹ تا ۵۳۰ تا ۵۳۱ تا ۵۳۲ تا ۵۳۳ تا ۵۳۴ تا ۵۳۵ تا ۵۳۶ تا ۵۳۷ تا ۵۳۸ تا ۵۳۹ تا ۵۴۰ تا ۵۴۱ تا ۵۴۲ تا ۵۴۳ تا ۵۴۴ تا ۵۴۵ تا ۵۴۶ تا ۵۴۷ تا ۵۴۸ تا ۵۴۹ تا ۵۵۰ تا ۵۵۱ تا ۵۵۲ تا ۵۵۳ تا ۵۵۴ تا ۵۵۵ تا ۵۵۶ تا ۵۵۷ تا ۵۵۸ تا ۵۵۹ تا ۵۶۰ تا ۵۶۱ تا ۵۶۲ تا ۵۶۳ تا ۵۶۴ تا ۵۶۵ تا ۵۶۶ تا ۵۶۷ تا ۵۶۸ تا ۵۶۹ تا ۵۷۰ تا ۵۷۱ تا ۵۷۲ تا ۵۷۳ تا ۵۷۴ تا ۵۷۵ تا ۵۷۶ تا ۵۷۷ تا ۵۷۸ تا ۵۷۹ تا ۵۸۰ تا ۵۸۱ تا ۵۸۲ تا ۵۸۳ تا ۵۸۴ تا ۵۸۵ تا ۵۸۶ تا ۵۸۷ تا ۵۸۸ تا ۵۸۹ تا ۵۹۰ تا ۵۹۱ تا ۵۹۲ تا ۵۹۳ تا ۵۹۴ تا ۵۹۵ تا ۵۹۶ تا ۵۹۷ تا ۵۹۸ تا ۵۹۹ تا ۶۰۰ تا ۶۰۱ تا ۶۰۲ تا ۶۰۳ تا ۶۰۴ تا ۶۰۵ تا ۶۰۶ تا ۶۰۷ تا ۶۰۸ تا ۶۰۹ تا ۶۱۰ تا ۶۱۱ تا ۶۱۲ تا ۶۱۳ تا ۶۱۴ تا ۶۱۵ تا ۶۱۶ تا ۶۱۷ تا ۶۱۸ تا ۶۱۹ تا ۶۲۰ تا ۶۲۱ تا ۶۲۲ تا ۶۲۳ تا ۶۲۴ تا ۶۲۵ تا ۶۲۶ تا ۶۲۷ تا ۶۲۸ تا ۶۲۹ تا ۶۳۰ تا ۶۳۱ تا ۶۳۲ تا ۶۳۳ تا ۶۳۴ تا ۶۳۵ تا ۶۳۶ تا ۶۳۷ تا ۶۳۸ تا ۶۳۹ تا ۶۴۰ تا ۶۴۱ تا ۶۴۲ تا ۶۴۳ تا ۶۴۴ تا ۶۴۵ تا ۶۴۶ تا ۶۴۷ تا ۶۴۸ تا ۶۴۹ تا ۶۵۰ تا ۶۵۱ تا ۶۵۲ تا ۶۵۳ تا ۶۵۴ تا ۶۵۵ تا ۶۵۶ تا ۶۵۷ تا ۶۵۸ تا ۶۵۹ تا ۶۶۰ تا ۶۶۱ تا ۶۶۲ تا ۶۶۳ تا ۶۶۴ تا ۶۶۵ تا ۶۶۶ تا ۶۶۷ تا ۶۶۸ تا ۶۶۹ تا ۶۷۰ تا ۶۷۱ تا ۶۷۲ تا ۶۷۳ تا ۶۷۴ تا ۶۷۵ تا ۶۷۶ تا ۶۷۷ تا ۶۷۸ تا ۶۷۹ تا ۶۸۰ تا ۶۸۱ تا ۶۸۲ تا ۶۸۳ تا ۶۸۴ تا ۶۸۵ تا ۶۸۶ تا ۶۸۷ تا ۶۸۸ تا ۶۸۹ تا ۶۹۰ تا ۶۹۱ تا ۶۹۲ تا ۶۹۳ تا ۶۹۴ تا ۶۹۵ تا ۶۹۶ تا ۶۹۷ تا ۶۹۸ تا ۶۹۹ تا ۷۰۰ تا ۷۰۱ تا ۷۰۲ تا ۷۰۳ تا ۷۰۴ تا ۷۰۵ تا ۷۰۶ تا ۷۰۷ تا ۷۰۸ تا ۷۰۹ تا ۷۱۰ تا ۷۱۱ تا ۷۱۲ تا ۷۱۳ تا ۷۱۴ تا ۷۱۵ تا ۷۱۶ تا ۷۱۷ تا ۷۱۸ تا ۷۱۹ تا ۷۲۰ تا ۷۲۱ تا ۷۲۲ تا ۷۲۳ تا ۷۲۴ تا ۷۲۵ تا ۷۲۶ تا ۷۲۷ تا ۷۲۸ تا ۷۲۹ تا ۷۳۰ تا ۷۳۱ تا ۷۳۲ تا ۷۳۳ تا ۷۳۴ تا ۷۳۵ تا ۷۳۶ تا ۷۳۷ تا ۷۳۸ تا ۷۳۹ تا ۷۴۰ تا ۷۴۱ تا ۷۴۲ تا ۷۴۳ تا ۷۴۴ تا ۷۴۵ تا ۷۴۶ تا ۷۴۷ تا ۷۴۸ تا ۷۴۹ تا ۷۵۰ تا ۷۵۱ تا ۷۵۲ تا ۷۵۳ تا ۷۵۴ تا ۷۵۵ تا ۷۵۶ تا ۷۵۷ تا ۷۵۸ تا ۷۵۹ تا ۷۶۰ تا ۷۶۱ تا ۷۶۲ تا ۷۶۳ تا ۷۶۴ تا ۷۶۵ تا ۷۶۶ تا ۷۶۷ تا ۷۶۸ تا ۷۶۹ تا ۷۷۰ تا ۷۷۱ تا ۷۷۲ تا ۷۷۳ تا ۷۷۴ تا ۷۷۵ تا ۷۷۶ تا ۷۷۷ تا ۷۷۸ تا ۷۷۹ تا ۷۸۰ تا ۷۸۱ تا ۷۸۲ تا ۷۸۳ تا ۷۸۴ تا ۷۸۵ تا ۷۸۶ تا ۷۸۷ تا ۷۸۸ تا ۷۸۹ تا ۷۹۰ تا ۷۹۱ تا ۷۹۲ تا ۷۹۳ تا ۷۹۴ تا ۷۹۵ تا ۷۹۶ تا ۷۹۷ تا ۷۹۸ تا ۷۹۹ تا ۸۰۰ تا ۸۰۱ تا ۸۰۲ تا ۸۰۳ تا ۸۰۴ تا ۸۰۵ تا ۸۰۶ تا ۸۰۷ تا ۸۰۸ تا ۸۰۹ تا ۸۱۰ تا ۸۱۱ تا ۸۱۲ تا ۸۱۳ تا ۸۱۴ تا ۸۱۵ تا ۸۱۶ تا ۸۱۷ تا ۸۱۸ تا ۸۱۹ تا ۸۲۰ تا ۸۲۱ تا ۸۲۲ تا ۸۲۳ تا ۸۲۴ تا ۸۲۵ تا ۸۲۶ تا ۸۲۷ تا ۸۲۸ تا ۸۲۹ تا ۸۳۰ تا ۸۳۱ تا ۸۳۲ تا ۸۳۳ تا ۸۳۴ تا ۸۳۵ تا ۸۳۶ تا ۸۳۷ تا ۸۳۸ تا ۸۳۹ تا ۸۴۰ تا ۸۴۱ تا ۸۴۲ تا ۸۴۳ تا ۸۴۴ تا ۸۴۵ تا ۸۴۶ تا ۸۴۷ تا ۸۴۸ تا ۸۴۹ تا ۸۵۰ تا ۸۵۱ تا ۸۵۲ تا ۸۵۳ تا ۸۵۴ تا ۸۵۵ تا ۸۵۶ تا ۸۵۷ تا ۸۵۸ تا ۸۵۹ تا ۸۶۰ تا ۸۶۱ تا ۸۶۲ تا ۸۶۳ تا ۸۶۴ تا ۸۶۵ تا ۸۶۶ تا ۸۶۷ تا ۸۶۸ تا ۸۶۹ تا ۸۷۰ تا ۸۷۱ تا ۸۷۲ تا ۸۷۳ تا ۸۷۴ تا ۸۷۵ تا ۸۷۶ تا ۸۷۷ تا ۸۷۸ تا ۸۷۹ تا ۸۸۰ تا ۸۸۱ تا ۸۸۲ تا ۸۸۳ تا ۸۸۴ تا ۸۸۵ تا ۸۸۶ تا ۸۸۷ تا ۸۸۸ تا ۸۸۹ تا ۸۹۰ تا ۸۹۱ تا ۸۹۲ تا ۸۹۳ تا ۸۹۴ تا ۸۹۵ تا ۸۹۶ تا ۸۹۷ تا ۸۹۸ تا ۸۹۹ تا ۹۰۰ تا ۹۰۱ تا ۹۰۲ تا ۹۰۳ تا ۹۰۴ تا ۹۰۵ تا ۹۰۶ تا ۹۰۷ تا ۹۰۸ تا ۹۰۹ تا ۹۱۰ تا ۹۱۱ تا ۹۱۲ تا ۹۱۳ تا ۹۱۴ تا ۹۱۵ تا ۹۱۶ تا ۹۱۷ تا ۹۱۸ تا ۹۱۹ تا ۹۲۰ تا ۹۲۱ تا ۹۲۲ تا ۹۲۳ تا ۹۲۴ تا ۹۲۵ تا ۹۲۶ تا ۹۲۷ تا ۹۲۸ تا ۹۲۹ تا ۹۳۰ تا ۹۳۱ تا ۹۳۲ تا ۹۳۳ تا ۹۳۴ تا ۹۳۵ تا ۹۳۶ تا ۹۳۷ تا ۹۳۸ تا ۹۳۹ تا ۹۴۰ تا ۹۴۱ تا ۹۴۲ تا ۹۴۳ تا ۹۴۴ تا ۹۴۵ تا ۹۴۶ تا ۹۴۷ تا ۹۴۸ تا ۹۴۹ تا ۹۵۰ تا ۹۵۱ تا ۹۵۲ تا ۹۵۳ تا ۹۵۴ تا ۹۵۵ تا ۹۵۶ تا ۹۵۷ تا ۹۵۸ تا ۹۵۹ تا ۹۶۰ تا ۹۶۱ تا ۹۶۲ تا ۹۶۳ تا ۹۶۴ تا ۹۶۵ تا ۹۶۶ تا ۹۶۷ تا ۹۶۸ تا ۹۶۹ تا ۹۷۰ تا ۹۷۱ تا ۹۷۲ تا ۹۷۳ تا ۹۷۴ تا ۹۷۵ تا ۹۷۶ تا ۹۷۷ تا ۹۷۸ تا ۹۷۹ تا ۹۸۰ تا ۹۸۱ تا ۹۸۲ تا ۹۸۳ تا ۹۸۴ تا ۹۸۵ تا ۹۸۶ تا ۹۸۷ تا ۹۸۸ تا ۹۸۹ تا ۹۹۰ تا ۹۹۱ تا ۹۹۲ تا ۹۹۳ تا ۹۹۴ تا ۹۹۵ تا ۹۹۶ تا ۹۹۷ تا ۹۹۸ تا ۹۹۹ تا ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۱ تا ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۳ تا ۱۰۰۴ تا ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۶ تا ۱۰۰۷ تا ۱۰۰۸ تا ۱۰۰۹ تا ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۲ تا ۱۰۱۳ تا ۱۰۱۴ تا ۱۰۱۵ تا ۱۰۱۶ تا ۱۰۱۷ تا ۱۰۱۸ تا ۱۰۱۹ تا ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۳ تا ۱۰۲۴ تا ۱۰۲۵ تا ۱۰۲۶ تا ۱۰۲۷ تا ۱۰۲۸ تا ۱۰۲۹ تا ۱۰۳۰ تا ۱۰۳۱ تا ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۳ تا ۱۰۳۴ تا ۱۰۳۵ تا ۱۰۳۶ تا ۱۰۳۷ تا ۱۰۳۸ تا ۱۰۳۹ تا ۱۰۴۰ تا ۱۰۴۱ تا ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۳ تا ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۵ تا ۱۰۴۶ تا ۱۰۴۷ تا ۱۰۴۸ تا ۱۰۴۹ تا ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۲ تا ۱۰۵۳ تا ۱۰۵۴ تا ۱۰۵۵ تا ۱۰۵۶ تا ۱۰۵۷ تا ۱۰۵۸ تا ۱۰۵۹ تا ۱۰۶۰ تا ۱۰۶۱ تا ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۴ تا ۱۰۶۵ تا ۱۰۶۶ تا ۱۰۶۷ تا ۱۰۶۸ تا ۱۰۶۹ تا ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۱ تا ۱۰۷۲ تا ۱۰۷۳ تا ۱۰۷۴ تا ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۶ تا ۱۰۷۷ تا ۱۰۷۸ تا ۱۰۷۹ تا ۱۰۸۰ تا ۱۰۸۱ تا ۱۰۸۲ تا ۱۰۸۳ تا ۱۰۸۴ تا ۱۰۸۵ تا ۱۰۸۶ تا ۱۰۸۷ تا ۱۰۸۸ تا ۱۰۸۹ تا ۱۰۹۰ تا ۱۰۹۱ تا ۱۰۹۲ تا ۱۰۹۳ تا ۱۰۹۴ تا ۱۰۹۵ تا ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۷ تا ۱۰۹۸ تا ۱۰۹۹ تا ۱۱۰۰ تا ۱۱۰۱ تا ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۳ تا ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۷ تا ۱۱۰۸ تا ۱۱۰۹ تا ۱۱۱۰ تا ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۲ تا ۱۱۱۳ تا ۱۱۱۴ تا ۱۱۱۵ تا ۱۱۱۶ تا ۱۱۱۷ تا ۱۱۱۸ تا ۱۱۱۹ تا ۱۱۲۰ تا ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۲ تا ۱۱۲۳ تا ۱۱۲۴ تا ۱۱۲۵ تا ۱۱۲۶ تا ۱۱۲۷ تا ۱۱۲۸ تا ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۰ تا ۱۱۳۱ تا ۱۱۳۲ تا ۱۱۳۳ تا ۱۱۳۴ تا ۱۱۳۵ تا ۱۱۳۶ تا ۱۱۳۷ تا ۱۱۳۸ تا ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۰ تا ۱۱۴۱ تا ۱۱۴۲ تا ۱۱۴۳ تا ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۵ تا ۱۱۴۶ تا ۱۱۴۷ تا ۱۱۴۸ تا ۱۱۴۹ تا ۱۱۵۰ تا ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۳ تا ۱۱۵۴ تا ۱۱۵۵ تا ۱۱۵۶ تا ۱۱۵۷ تا ۱۱۵۸ تا ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۰ تا ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۲ تا ۱۱۶۳ تا ۱۱۶۴ تا ۱۱۶۵ تا ۱۱۶۶ تا ۱۱۶۷ تا ۱۱۶۸ تا ۱۱۶۹ تا ۱۱۷۰ تا ۱۱۷۱ تا ۱۱۷۲ تا ۱۱۷۳ تا ۱۱۷۴ تا ۱۱۷۵ تا ۱۱۷۶ تا ۱۱۷۷ تا ۱۱۷۸ تا ۱۱۷۹ تا ۱۱۸۰ تا ۱۱۸۱ تا ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۳ تا ۱۱۸۴ تا ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۶ تا ۱۱۸۷ تا ۱۱۸۸ تا ۱۱۸۹ تا ۱۱۹۰ تا ۱۱۹۱ تا ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۳ تا ۱۱۹۴ تا ۱۱۹۵ تا ۱۱۹۶ تا ۱۱۹۷ تا ۱۱۹۸ تا ۱۱۹۹ تا ۱۲۰۰ تا ۱۲۰۱ تا ۱۲۰۲ تا ۱۲۰۳ تا ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۵ تا ۱۲۰۶ تا ۱۲۰۷ تا ۱۲۰۸ تا ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۱ تا ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۳ تا ۱۲۱۴ تا ۱۲۱۵ تا ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۷ تا ۱۲۱۸ تا ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۱ تا ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۳ تا ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۵ تا ۱۲۲۶ تا ۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ تا ۱۲۲۹ تا ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۱ تا ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۳ تا ۱۲۳۴ تا ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۷ تا ۱۲۳۸ تا ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۲ تا ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۴ تا ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۶ تا ۱۲۴۷ تا ۱۲۴۸ تا ۱۲۴۹ تا ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۷ تا ۱۲۵۸ تا ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۲ تا ۱۲۶۳ تا ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۵ تا ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۷ تا ۱۲۶۸ تا ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۴ تا ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۶ تا ۱۲۷۷ تا ۱۲۷۸ تا ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۷ تا ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ تا ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ تا ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵

درحاشیه...

بقیه از صفحه ۱
فعلیت بخصوص از این جهت بحث انگیز شده که بیشتر سمت آن بسوی کشورهای سوسیالیستی و مترقی است، اما در مقاله "مانورهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی کارشماره ۱۳۰" خطوط کلی این حرکت را که با شرکت ایران در کنفرانسهای بین المللی، کنفرانس جنبه با پداری در لیبی و کنفرانس بین المللی در کوبا و مسافرتی به رفسنجان به گره شمالی و مالزی آغاز گشته بود، توضیح دادیم، اما از آنجا شکی در روابط اقتصادی - دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی و توسعه احتمالی آن مورد بحث و تفسیرها و گوناگون قرار گرفته و در این میان ابهامات و انحرافات را موجب گردیده است لازم است مستقیم انگیزه های دولت جمهوری اسلامی و همچنین دیگه کشورهای سوسیالیستی را در جنبه های اقتصادی و سیاسی در این مسئله مورد بررسی قرار داده و ببینیم برخورد ما رگسبستی - لنینیستی نسبت با این مسئله چگونه است:

انحرافات حرکتی کشورهای رژیم جمهوری اسلامی و موضعگیریهای بعضی کشورهای بلوک سوسیالیستی در سطح جنبش موجب گشته است را میتوان به دو دسته تقسیم کرد: الف - انحرافی که این حرکتها را دلیل انقلابی، مترقی و خلقی بودن رژیم میدانند و در این میان توده ها و نوجوان های اکثریتی آنها نیز با این انحرافات در این میزنند. این دیدگاه انحرافی بجای بررسی ماهیت رژیم ایران از جهات طبقاتی، برخوردش به سیستم سرمایه داری و بسته و عملگردها نسبت به نیروهای با اندام اجتماعی و خلقی و به حقوق سیاسی و آزادیهای دمکراتیک و دیدگاهش به ارزشهای اعمال قدرت خلقی یعنی شوراها و نهادهای دمکراتیک، تنها یک فاکتور را با تحلیلها خود قرار داده و آنهم روابط اقتصادی - دیپلماتیک و موضعگیری کشورهای سوسیالیستی به ایران است. این امر که از آنها قائل (حتی در زمان شاه) از طرف حزب توده معیار رستخ بود از کار ۵۹ اکثریت محور استدلالات آنها نیز قرار گرفت. آنها باین استدلال که "فلان یا بمان کشور سوسیالیستی قرار داده ایم اقتصادا به ایران بسته موضع موافق نسبت رژیم ایران گرفته است و احیاناً آنرا - "ضد امپریالیست" خوانده است خود را از "شر بررسی و تحلیل در باره ماهیت رژیم خلاص کرده و همین را ملاک قضاوت خود قرار میدهند. غافل از اینکه حرکت از روی این منطق آنها را به آنجا میرساند که رژیم شاه و همچنین رژیم عراق و بسیاری دیگر از رژیمها (همفدا امپریالیست خلقی و مترقی از ابیرون می آیند چرا که در رژیم شاه هم قرار دادهای اقتصادی بزرگی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بسته شد و موضعگیریهای سیاسی به نفع رژیم شاه در مورد او و یک غیره تخصصاً گردید.)

اما نیرویی که سعی میکنند - تبلیغاتش برای فریب مردم را این دید انحرافی را رایج بیشترین سوء استفاده را بنما بد خود رژیم است که با استفاده از تبلیغات توده ایها، اکثریتیها، و رادیوهای "مدای ملی" "مسکو" "تاشکند" و... گفتار سران بعضی کشورهای سوسیالیستی بیشترین بهره برداری را به نفع خود کرده و در جهت تعمیق - توده ای، در خلقی جازدن رژیم خود گویام

بردارد.

ب - انحراف دوم رایج اینست که این روابط اقتصادی - دیپلماتیک را دلیلی بر فدا انقلابی بودن کشورهای سوسیالیستی تلقی کرده و به هستری ضد شوروی و ضد کشورهای سوسیالیستی دان من میزنند. این نظرگاهها بنظراً استدلال میکنند که چون ماهیت ضد خلقی رژیم خوبی منسوب است و در آن شکی نیست بنا بر این هر دولتی که با این دولت روابط اقتصادی برقرار کند و با از آنها تا شدسیاسی بعمل آورد ماهیت خود را زیر سوال رفته و خود را فدا انقلابی و ضد خلقی است. این نقطه نظر که از طرف بسیاری از عوام و مسلمانان ناآگاهانه بران می شود از جانب جهانی - ها و طرفداران تز سوسیالیسم امپریالیسم آگاهانه بهره برداری شده و به نتایج عینی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بدل میشود، در این میان امپریالیسم جهانی و عوامل سرسپردان سلطنت طلبان و ضد انقلاب مغلوب با این امر دان من میزنند. بنا بر این، این مسئله اولاً وسیله ای برای کوبیدن کشورهای سوسیالیستی شده که بگویند تا هم مثل دوران صدق ۱۵، خردا دو... این کشورها به مبارزات مردم ایران فدا نیت میکنند و ثانیاً تبلیغات راه می اندازند که - ایران را در کمونیستی میشود و وضع تا بسا مان کنونی (سیستم کویبی، مغفای طویل و...) را نتیجه سیاستهای - کمونیستی دولت ونفوذ کمونیستها در آن دانسته و با این ترتیب به حیثیت نظام سوسیالیستی لطمه وارد می کنند. برای روشن کردن مسئله و برخورد بنده در انحراف فوق رسو استفاده ای که از هر دو زاویه "چپ" و "راست" به این مسئله میشود لازم است روابط فیما بین ایران و کشورهای سوسیالیستی را از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی و با انعکس مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم با دید روشنی به این قضیه نظر افکنده و با - برخوردی عینی و علمی به قضاوت بشینیم: ماهیت و عمل و انگیزه دولت جمهوری اسلامی ز روابط با کشورهای سوسیالیستی چیست؟

نگاهی به روابط اقتصادی - سیاسی ایران از یک طرف و دولت شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از طرف دیگر نشان میدهد که پیوسته و در تمام ادوار دولت ایران دارای روابط اقتصادی مشخصی با این کشورها بوده است ولی این روابط هیچگاه به مناسبات ایران در چارچوب سرمایه جهانی لطمه نزده است. تاریخ گواهاست که در دست در بجهت حرکت چهار نعل ایران بسوی ادغام در سرمایه جهانی (سالهای ۴۲ تا ۵۰) رژیم شاه بزرگترین قرار دادهای صنعتی مجتمع بزرگ دوب آهن اصفهان و ماشین سازی اراک و تبریز و فروش گاز را بنام اتحاد شوروی منعقد کرد. در آنگاه هم مشاطه گران توده ای این قرار داد را قدم بلندی در راه صنعتی شدن کشور استقلال اقتصادی و حرکتی در راه رشد غیر سرمایه داری ایران دانسته و آنرا برپیدن از انحازات بین المللی تلقی میکردند. در حالیکه این امر در زمان نسبی بود که امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا شروع به یک برنا مه در آمدت - "صنعتی کردن" ایران و ایجاد صنایع مونتاژ و تقسیم کار جدید در عرصه جهانی کرده بود. و دولت ایران در همین موقع برای تسهیل سرمایه گذاری خارجی در ایران، قانون "جذب و حمایت از سرمایه های خارجی" را به تصویب رساند

که به موجب آن سرمایه داران خارجی تنها پنجمال از مالیات معاف بودند و هم چنین قادر بودند تا سود حاصل از این سرمایه گذاری و اصل سرمایه خود را بدون کوچکترین مانع و محدودیتی از ایران خارج سازند. در این هنگام معاملات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نظیر آلمان شرقی، بلغاریان و... در واقع مکتبی برای بازار جهانی و رفع نیاز مندیها شد بود که از انحصارات جهانی نمی توانست مستقیماً تا مین کشند و در این جا ایران واسطه ای برای صدور کالاها و خدمات غربی نظیر کفش، تریکو، اتومبیل، بیخال و... بکشورهای بلوک شرق بود.

و اکنون با توجه به بحران اقتصادی و اختلالاتی که گردش کالاهای ایران بوجود آمده که در موارد بسیاری ایران ناچار است از طریق واسطه ها و بصورت کشورهای ثالث کالاهای غربی را به ایران وارد کند، مبادلات بازرگانی و احیاناً توسعه بعضی اقلام نیاز کشورهای بلوک شرق - که در سابق هم وجود داشت - مفهوم پیدا میکند. یک نگاه سطحی نشان خواهد داد که حجم معاملات با این کشورها نسبت به زمان تا به معقاً بسته با کشورهای سرمایه داری افزایش نیافته زیرا بغلت خوابیدن و با کاهش تولید بسیاری از کارخانجات داخلی اصولاً حجم واردات کالاهای بزرگسازم آوری افزایش یافته بطوریکه حجم واردات ایران در سال ۵۹ نسبت به سال ۵۷ هفت برابر شده است. منتهی تبلیغات روی معاملات با کشور - های سوسیالیستی بسیار زیاد است. دلیل دیگری هم که رژیم ایران را وادار کرده که در عقد قرار داد با کشورهای سوسیالیستی نفاست نشان دهد موقعیت ایران در فروش نفت است که چون ایران میخواست و نمود کند که از قیمت تعیین شده و یک پانزینتر نخواهد آمد و در این قیمت هم مشتری نداشت لذا با طرح قرار دادهای که در مقابل فروش نفت بسته میشد (یعنی قرار دادهای مهمتری با کشورهای سوسیالیستی) میتوان دیهای واقعی نفت را مستور نگه داشت.

اما با بد توجه داشت علیرغم تمام جار و جنجالهای رژیم توسعه روابط اقتصادی دیش با شوروی و کشورهای بلوک شرق، عمده تجارت خارجی ایران با کشورهای امپریالیستی، انگلستان، آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه،... (بطور مستقیم و یا غیر مستقیم) است. تمام اتومبیلها، وانت بارها، کامیون ها، تریلی ها، اتوبوسها، کشتیها و هواپیماها و خلاصه تمام مواصلات حمل و نقل زمینی و هوایی و دریائی با تمام لوازم یدکی آن، از کشورهای غربی تهیه میشود (چه بصورت مونتاژ و چه بصورت ساخته شده کامل)، تمام وسایل الکترونیکی، بیخال، فریزر، ماشینهای لباس شویی، دستکاههای رادیو تلویزیون و یدتووکا میبوتستر و صدی هشتاد مواد خام و نیم برورده، مواد اولیه از این کشورها وارد میشود، در مورد تمام پروژه های نیمه گسارده مثل مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی که توسط ژاپنیها ساخته میشود تا سیات اسکله بندر و عملیات توسعه بندر عباس که توسط ایالتیایها انجام میشود و تا سیات بندری چاههار و... رژیم از بیما نگران و شرکای خارجی خواسته است این پروژه ها را به تمام سرمایه داری و لی این شرکتها هستند که برای ادامه کار تضمین کافی میخواهند و رژیم هم بقیه در صفحه ۶

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱
سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم و به اصطلاح مزدوران، پاکسازی روستاهای اطراف سنندج به منطقه (ها نئیس، خیابده، کانی بوجگه لسه) وارد میشوند در روستای کانی بوجگه لسه با مقاومت پیشمرگان حزب دمکرات روبرو میشوند و این درجا لیست کشته سیاسی - نظامی مشغول بودند. در این حال پیشمرگان فدائی نیز وارد درگیری شده و اطلاعات رسیده پیش از ده ظهر درگیری ادامه پیدا میکند. در دقایق اول درگیری یک ماشین سیمرغ حاصل گالیبر ۵۵ همراه با خدمه از کامریا قند و طبق اطلاعات رسیده پیش از ده نفر از جا شها و پاسداران کشته و تعدادی دیگر زخمی میشوند. شدت ضربه جدی بود که سه آمبولانس چندین بار به محل درگیری آمد و کشته و زخمی ها را حمل کردند. در این درگیری یکی از پیشمرگان فدائی و یکی پیشمرگ دمکرات بطور سطحی زخمی شدند. پیشمرگان پس از درگیری وارد روستاهای منطقه میشوند و مورد استقبال گرم روستا - ثیان قرار گرفتند.

۱۴ مبارز قهرمان در سنندج مخفیانه به جوخه های آتش سپرده شدند
نقل از خبرنامه شماره ۳ تشکیلات جنوب کردستان - ۶۰/۷/۱۴

بنابر اخبار غیر رسمی و اعلام نشده جلا در رژیم اسلامی ۱۴ نفر از کسانسی را که در زندان بوده و حکومت خود را می گذارند بدیده جوخه های آتش سپرده شدند. مزدوران حکومت با وجود اینکه با رهبا یدران و ماموران پیشمرگان یا زندانیان را شبانه زخا نه های شان بیرون کشیده و به زندان برده اند، جا شها و عوامل خود فروخته اند. بنا بر این وین مختلف موردا هانت قرار داده اند ولی جلا در جمهوری اسلامی می باید بداند که نه با آزار و اذیت بنوا نه ها و نه با اعدا م افراد بی گناه نمی توانند در راه آهنگین خلق برای آزادی سدی ایجاد نمایند. اعدا م شدگان از جمله معلمین و دانش آموزان و یا از خانواده پیشمرگان و شهدای جنبش بودند که رژیم برای زهر چشم گرفتن و ایجاد فضای رعب و وحشت این افراد بی گناه را نا جو نمرده است به جوخه های آتش سپرد. رژیم از این جنایت اهداف متعددی را نیز دنبال میکند از جمله در استانها با زدن مدارس با کشتار دانش آموزان زندانی می خواهد از حرکت و قوتند دانش آموزان جلوگیری کند ولی زهی خیال باطل. گرامی باد ایدشدهای بخون خفته خلق.

تظاهرات در سنندج :
۶۰/۷/۲۱ - سنندج بدنیال دادامهای بی درپی مبارزین و جو خفا نی که به وسیله رژیم ترور و اختناق ایجاد شده، تظاهراتی در صبح ۱۰ صبح روز ۲۱ مهر در خیابانهای سنندج انجام گرفت تظاهرات کنندگان با شعار رهسای مرگ بر ارتجاع، درود بر انقلاب - انقلابی می رزمم، ارتجاع می لرزد - زندانی سیاسی آزاد یا یگردد و شعرا - هائی به پشتیبانی از جنبش مقاومت به حرکت درآمدند. اما پاسداران و جا شها با تیراندازی شدیدی تظاهرات کنندگان را

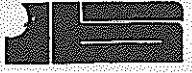
متفرق میکنند وعده ای را دستگیر میکنند بنا ز ظهر همین روز در ساعت ۴/۵ - تظاهرات دیگری از ابتدای خیابان فردوسی شروع میشود و این بار هم بوسیله مزدوران از ادا م آن جلوگیری بعمل نمی آید و چند نفر دستگیر میگردند. مردمی که در بیابانهای اطراف بودند بسا علاقه مندی تا نظریه و حجابیت معنوی خویش را اعلام میکنند. پاسداران با زور و هوس بوسیله نقلیه ای را که پیدا میکنند سوار شده تا خود را به تظاهرات برسانند و از ادا م آن جلوگیری نمایند و روحیه خود را از دست داده بودند یک راننده تا کسی از زبردن آنان خود داری میکند و با پاسداران مشاجره مینماید و با وساطت مردم که به کمک راننده تا کسی آمده بودند قضیه خاتمه می یابد. پاسداران، انقلابی جوانی را دستگیر کرده و می خواهند با شین به مرکز سپاه ببرند که مورد اعتراض مردم قرار میگیرند دستگیر شده و می آید و با صای بلانسد میگفت "بگذارید مرا هم ادا م کنید بسا ادا م من دونفر دیگر به میار زده خواهند پیوست" با لآخره او را به مرکز سپاه میبرند بعد از این واقعه پاسداران و جا شهای مزدور به خانه گردی و دستگیری و زهر میپرا زند. این حرکات اعتراضی در روزهای آینده می رود که به سیل بنیان کنی تبدیل شود و بسا ط ننگین و جنایت - با رژیم جمهوری اسلامی را در همس بریزد.

* انفجار رعب بوسیله مزدوران رژیم ۶۰/۷/۱۵ - سنندج: در روز انتخابات ریاست جمهوری در خیابان سیروس جلوس یکی از مساجد یا از رعبی منفرجه میشود که ۳ نفر کشته و حدود ۳۴ نفر زخمی میشوند بعد از انفجار حکومت در تبلیغات - را دیویی خود این عمل جنا یکارانه را به نیروهای انقلابی نسبت میدهد. جلا در قصد داشتند تا شبی با انفجارات شهرهای دیگر در ذهن توده ها ایجاد کنند. اما مردم مبارز سنندج خوب میدانند انفجارات شهرهای دیگر که بوسیله نیروهای انقلابی انجام میگردد تا ما "علیه عوامل رژیم و باندهای سیا ه بوده و انفجارات در میا دین و معارف عمومی که موجب کشتار مردم گردیده همگی توسط مزدوران رژیم برای بدنام کردن نیروهای انقلاب صورت میگیرد. رژیمهای ضد انسانی حرکتها را خلق ندارند و این انفجارات سندیگری از جنایات بی شمار رژیم میا شده که به تلافی تحریم انقلابی انتخابات رئیس جمهوری از طرف مردم صورت گرفت.

در روز ۶۰/۸/۱۱ توسط انقلابیون یکی از جا شهای مهم رژیم بنا خدا مزادگروسی و مسئول تحقیقات سیا ه پاسداران که شدیدا "مورد تنفر مردم بود ترور میشود. انقلابیون این عمل را در خیابان شهدای سنندج انجام میدهند و پس از مصا دره کلیت جاش تا مبرده صحنه را ترک میکنند. در هفته قبل نیز در همین محل جاش معروفی بنا مازرعی که مورد اذیت و آزار بسا رنموده بود ترور میشود. این جاش مزدور اهل یکی از روستاهای اطراف قروه میا شد و پس از قیام مقدار زیادی پول از مردم اخذی نموده است.

اورا مانات

چندی قبل در یورش جا شها و پاسداران



به منطقه اورا مانات ۶۲ نفر از افراد مسلح دستگیر و تسلیم میشوند که بخشی از آنان را فرامزدور زنگاری بودند. پاسداران به مردم بی دفاع منطقه نیز حمله کرده اند. ناگهان با تفنگ های شکاری داشته اند بنا م افراد زنگاری دستگیر می کنند و خانه های دهقانان زحمتکش را بنا م موال زنگاری غارت مینمایند. در ۱۷ مهر بنا به خبر غیر رسمی ۶۲ تن از آنان را ادا م میکنند. مردم زحمتکش اورا مانات که مدت ۲ سال است در غیاب نیروهای جنبش مقاومت تحت تاثیر مزدوران زنگاری قرار گرفته بودند و برخی آنان نا آگاهانه از این نیرو پشتیبانی میکردند، قربانی خیانتکاری رهبران زنگاری شدند و پس از فرار سردمداران زنگاری دستگیر و با تسلیم میشوند. و بلافاصله توسط جنا یکاران رژیم ادا م گردیدند. رهبران زنگاری توسط حکومت بعضی عراق تغذیه شده و عده ای را مسلح نموده بودند که اجرا کننده سیاست های رژیم بدت در منطقه بودند و با رهبا علیه نیروهای انقلابی توطئه و چند نفر از آنان را شهید نموده بودند. در حمله اخیر رژیم با اینکه آنها تسلیم گردیدند ولی با زهم توسط سرکوبگران ادا م شدند. این واقعه با بدتر سی بی برای جا شها و خود فروختگان با شد. ناگهان به منافع خلق خیانت میکنند هم در پیشگاه خلق محکوم هستند و اگر هم تسلیم سرکوبگران رژیم شوند با زمرگ در انتظارشان است لذا تا بدرنشده و اگر تا حال در تکب جنایتی علیه انقلابیون شده اند باید خود را به نیروهای جنبش مقاومت تسلیم نمایند در غیر اینصورت سرتوشتی بهتر از مزدوران زنگاری نخواهند داشت. راهبانی اهالی نسل ۶۰/۷/۱۵ - مزبوران جنا یکار رژیم در این روز برای با صلاح پاکسازی به روستای نسل از توابع میروان - یورش میبرند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار میدهند که دست و پای چند نفر از اهالی را می شکنند، مردم نسل علیه آنان اعتراض میکنند جا شها و پاسداران دریا سخ و روستا را به خمپاره می بندند. مردم دست بیگ را هیما نسی بطرف "سرو آباد" میزنند که در بین راه توسط نیروهای سرکوبگر به گلوله بسته شدند. بیک زن زخمی وعده ای بازداشت میگردند. اما مردم با وسایل مختلف خود را به میروان می رسا تند و در دگا ه با صلاح انقلاب تحسن میکنند و دستگیر شدگان آزاد میشوند.

زحمتکشان کردستان زمین و آزادی میخواهند که خارج از توان حکومت ضد خلقی میبا شوبه همین خاطر مزدوران رژیم هنگامی که به مناطق روستا نسی وارد میشوند با اعتراض یکبارچه مردم روبرو میشوند. زیرا سرکوبگران خلق با زور سر نیزه میخا هند دهقا نسل را از این خواسته های برحق باز دارند. قبل از ورود پاسداران و جا شهای خود فروش به روستای نسل و دهات اطراف میروان این منطقه محل استقرار پیشمرگان فدائی بوده و به مدت چندین ماه در مقابل سرکوبگران مقاومت کرده بودند. اهالی روستای نسل بسا مقاومت و اعتراض یکبارچه خود را در مقابل مزدوران رژیم از یکسوحجابیت و پشتیبانی خود را از پیشمرگان جنبش و از سوی دیگر نفرت و از جا رخود را علیه رژیم ترور و سرکوب اعلام داشتند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

برنج کاران

پس از تشدید تهاجمات دیکتاتوران شمال با دولت بر سر قیمت گذاری برنج، فرماندا راستانه برای سخنرانی به روستای آمده بود. او ضمن سخنرانی گفت "دولت قول میدهد که قیمت سایر اجناس را پائین بیاورد، شما هم برنج را به همین قیمت بفروشید" یکی از کشاورزان که به سخنرانی او گوش میداد، دستش را بر سرش را تکان داد و خطاب به پهلوی گفت "من میگفتم اینها دو سال است که به ما وعده و وعید میدهند تا شاید ما را فریب دهند" دهقان سالخورده که پهلوی او ایستاده بود گفت "موقعی که کود و بذر نداشتیم سراغ ما نمی آیند ولی وقتی که برنج را میخواهیم بفروشیم فوراً با یک دنیا وعده و وعید میآیند سراغمان" فرماندار به سخنان خود ادامه میداد و میگفت "اینها که دم از خلق میزنند چکار برایتان کرده اند" که در همین حین کشاورزی که صورت برجیشتان نشان از سالها زحمت و رنج داشت زمزمه کرد "شما که همه را خد خلق میدانید برای ما چکار کرده اید" و سرخوانی خطاب به او گفت "خیلی کارها کرده اند مثلاً" سال دو طرح به نفع

مستضعفین دادند یکی از آنها در مورد خرید بیل بود که دیدیم با زحار و واسطه ها در استان با زبود طرح دوم هم که خرید برنج است که حتماً با زهم دست واسطه ها و تجار است "کشا و رز پیر گفت" خوب دیگه مستضعفین اینها همین کردن - کلفتها هستند"

یکروزی از اینکه بسیج برای - چندمین بار به روستا شیان خاطر ر کرده بود که حتماً "برنج ها یشان را به دولت بفروشند در قهوه خانه ای در یکی از روستاهای لاهیجان دهقانان دور هم جمع شده بودند و راجع به این مسئله صحبت میکردند دهقان پیری با عصبانیت فریاد میزد "چطور من برنج را کیلویی ۱۷ تومان بفروشم در صورتی که در مقابل آن مغز گردو را کیلویی ۱۳۰ - تومان و گوشت را کیلویی ۱۰۰ تومان بخرم" کشا و رز دیگری که حدود ۳۰ ساله بود ادامه داد "شما درست میگویید همه چیزگران است طرف هرچی بریو چسند برابری است حتی در زمان شاه هم قیمت ها اینقدر بالا نرفته بود" بوقت - میگویند برنج تعارونی شده و باید - کیلویی ۱۷ تومان بفروشید. آخا اگر برنج تعارونی شده چرا جنسهای دیگر را تعارونی نمیکنید" همهمه اعتراضی در گرفت یکی میگفت "آیا دولت در فکر این هست که وسایل کشا و رز مثل خرمنکوب یا تراکتور و کود و سم را به ما بدهد تا لااقل از این بابت نوری -

در حاشیه ...

بقیه از صفحه ۶
عراق هم حزب کمونیست، جبهه میهنی کردستان (جلال طالبانی) و سایر نیروهای حسی دولت عراق را ضد انقلابی و ضد خلقی میدانند و جبهه ای دمکراتیک برای سرنگونی آن تشکیل داده اند - بارها این جبهه از طرف حزب توده و اکثریت مورد تأیید رگرفته است. اما از آن طرف دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی، کوبا، ویتنام، این کشور را ضد امپریالیست میدانند، بهترین روابط (حتی بسیار حسنه تر از ایران) با آن دارند و این موضع خود را با رهسازان تا شید کرده اند و در محافل بین المللی و در کنفرانسهای غیر متعهدها، سازمان ملل و ... از موضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی عراق ستایش کرده اند. همین چند روز پیش بود که روزنامه جمهوری اسلامی نوشت که کشورهای بلوک شوروی (کشورهای همپایه اقتصادی) قرار داد بزرگی برای چند سال آینده با دولت عراق منعقد کردند. حال باید سؤال کرد قضاوت ما و نیروهای انقلابی درون عراق در مورد ما هیت دولت عراق یا بدبرمناسی است یا سرمایه داری این کشور، سیاستهای ضد خلقی و اختناق سیاسی و جایگاهش در مبارزه طبقاتی تعیین گردد و با روابطش با دولت شوروی و کشورهای سوسیالیستی و موضعگیریهای سیاسی این کشور در مقابل عراق؟ آیا تشکیل جبهه متحد خلقی برای براندازی دولت عراق که از جانب حزب کمونیست عراق و کردها و سایر نیروها تشکیل شده است حق است یا اینکه آنها غلط کرده اند با وجود موضع کشورهای سوسیالیستی جنجالی جبهه ای تشکیل داده و برای براندازی دولت عراق مبارزه می کنند؟! مسلماً کسی پیدا نمیشود نظردوم را تحویر کند. پس نتیجه میگیریم که ما هیت دولت روابط و موضعگیریهای شوروی

و بلوک شرقی که بر اساس هزارویک مسئله ژئوپولیتیکی تعیین میشود حتی میتواند انحرافی و اشتباه و تاشی از نداشتن تحلیل واقعی از اوضاع کشور باشد، تعیین نمیکند. چنانچه تاریخ کشور خود ما گواه است که شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۳۱ از مصداق تحلیل نادرست داشتند، و راهیستند به امپریالیسم و محافل آمریکا میدانستند و پس در سال ۱۳۳۱ نظرها را تصحیح کردند که مصداق جبهه ملی نامیده - بورژوازی ملی ایران بوده است. پس آنچه ما هیت یک کشور را تعیین میکنند سیاستهای داخلی و خارجی آن، جایگاهش در مبارزه طبقاتی و صف بندی در میان طبقات، برخوردش به سرمایه داری جهانی ... است نه روابطش با کشورهای سوسیالیستی و موضعگیریهای این دولت نسبت با این کشور.

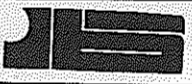
بنابراین آنچه گفته شد این سؤال مطرح است که سیاست ما رکیستی - لنینیستی در مقابل سیاستهای اقتصادی و موضعگیریهای سیاسی کشورهای سوسیالیستی چیست؟ همانطور که گفته شد ما هیت رژیم کشورمان را از تحلیل بافت اقتصادی آن جایگاهش در مناسبات تولیدی و طبقاتی و عملکردهایش در عرصه داخلی و خارجی تعیین می کنیم نه از مناسبات آن با این یا آن کشورهای سوسیالیستی و یا موضعگیریهای این یا آن کشورهای سوسیالیستی در مقابل آن بدیهی است که ما همزیستی مسالمت آمیز لنینیستی اعتقاد داریم و نمی توانیم متکرراً با اقتصاد و دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی با دولت های سرمایه داری باشیم. اما این هم بدیهی است که ما همزیستی مسالمت آمیز را در ارتباط ناگسستگی با انترناسیونالیسم پرولتری میدانیم. لذا ما انتظار داریم در این جهت مبارزه میکنیم که موضع گیریهای سیاسی دولت های سوسیالیستی بر اساس انترناسیونالیسم پرولتری بوده و منافع خلقهای ایران و بخصوص

نبنینیم" روستائی جوانی که بیشتر در شهر کار میکرد میگفت "اگر نرخ خرید را با لایمی بر ندلاقل جلوی واسطه ها و به قول خودتون مستضعفین را بگیرند، و قیمت اجناس را در بارها پائین بیاورند" دهقان حدود ۴۰ ساله ای وارد قهوه خانه شد و در حالی که می نشست با خشم تمام گفت "به اصطلاح انقلاب کردیم مثل اینکه درختهای گردوی سرباغ هم با انقلاب خمینی تا ساکزاری دارند اگر آن موقع ۲۰۰ گردو داشتیم لایم نه تنها نداریم بلکه درختها هم زده و خراب شده اند. بخشکی شانس "همان روستائی جوان حرفش را قطع کرد و گفت "حاکمیت کشور خود را با ازین کردن قیمت برنج گنده است چون ازین مسئله ترسوها را هم به حرف در آورده است" تا زهوا را خام کرد و کشا و رز مستی با چشم غره به روستائی جوان گفت "حالا وقت این حرفها نیست بهتر است یک تفرا را انتخاب کنیم که وقت بیشتری دارد و میتواند دنبال کارها یمان را بگیرد ما که همیشه نمی توانیم دور هم جمع شویم" کشا و رز حدود ۲۰ ساله ای بلند شد و گفت "من را به رهنم بکنی قبول دارم. همه جوان مثبت دادند و روستائی ادامه داد "خوب ما برنجها یمان را می فروشیم اما نه با این قیمت بلکه با قیمتی که خودمان تعیین کنیم" صدای "درسته" "درسته" از هر طرف بلند شد.

فردای آرزو یبین یک روستائی و بسیجی مسئول خرید سر قیمت برنج - متاخره در گرفت. بسیجی گفت "برنج تو

طبقه کارگران ایران را منظر داشته باشد و ایدئولوژی و فدائی دیپلماتی و روابط اقتصادی نکند.

اما در مورد موضعگیریهای سیاسی دولت های سوسیالیستی که در رابطه با یک دولت ضد خلقی و ضد انقلابی و از یکیش و ضد دمکرات و ضد منافع زحمتکش است تا خدا میشود عمل کرده چنین خواهد بود: اگر این موضعگیری درست و بر اساس واقعیت و تأثیر محکومیت این دولت ها باشد آنرا تأیید میکنم ولی اگر خلاف واقعیت باشد از آن انتقاد کرده آنرا طرد و محکوم می کنیم. نمونه چنین برخوردی در گذشته از طرف انقلابیون استین و اخیراً "از طرف سازمان مادر ما یک به کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزادیبخش نگاشته شده انجام گرفته است با بدبای این دولت ها تذکر دهیم و نشان را نسبت به عواقب ناگوار موضعگیریهای آنها ایم. اما این امر نباید ما را به موضع گیریهای انحرافی، نظیر آنچه در ابتدای این مقاله به آن اشاره کردیم، برساند. مثلاً "با یک موضع گیری غلط یک دولت انقلابی نظیر کوبا ویتنام، ما هیت آنرا زیر سؤال ببریم، ما نسبت به این موضعگیریهای غلط یک کشور انقلابی انتقاد نمیکنیم و حتی اعتراض هم نمیکنیم نظیر اعتراضی که اخیراً - دانشجویان ایرانی بدرستی جلوی سفارتخانه های ویتنام و کوبا دربارین بعمل آوردند و نسبت به موضعگیریهای غلط آنها اعتراض کردند و نشان را وادار کردند که رسماً "اعلام کنند که ما نسبت به رژیم ایران تا شیدسیاستی نکرده ایم. و کشا و رز پیر آنرا تا شید نکرده ایم، بلکه شید "آنرا محکوم می کنیم". اینست سیاست ما رکیستی - لنینیستی در مقابل انحرافات و اشتباهات کشورهای سوسیالیستی و مترقی. بدیهی است همین سیاست در مورد جنبشهای آزادیبخش نیز مصداق خواهد داشت.



ارزیابی ذهنیات حاکم پرتوده‌ها شهریورماه ۱۳۶۰

هما نگونه که پیش از این طرح کردیم از این پس به راه جمع‌بندی‌های از گزارشات توده‌ای میپردازیم تا تحولات و تغییرات حاصل در ذهنیات حاکم پرتوده‌ها بشکلی روشن به تعامی رفقاً ارائه گردد. در اینجا با ردیگر ضرورت توجه هرچه بیشتر رفقاً به مرکز رشدی تا کید می‌کنیم. بخصوص از تعامی رفقاً میخوایم هما نگونه که در مورد واقعه‌ی چون انتخابات بشکلی بسیار فعال به تهیه گزارش میپردازد زنده در رابطه با هر حرکت رژیم و هر جنبش توده‌ای از این نیرو و توا بزبانگاری بگیرند، بخصوص همواره - بکوشند زمراسم فرمایشی رژیم چون - راهپیمائی، نمازهای جمعه و تجمع‌های مساجد... گزارشاتی ارسال دارند. این امر در شرایط کنونی که با ردیگر تفاذهای درونی حاکمیت میروند تا اوجی نوین با بد از اهمیت هرچه بیشتری بر - خوردار است. زیرا که مسلماً "بشکلی ناگزیر این تفاذهای در چرخش مراسم و مجامعی (بخصوص در مساجد و سخنرانیهایی) تا کید میرونی خواهد بود. در این حال تا کید می‌کنیم که همواره در تفاذهای گزارشات پایگاه طبقه‌ای افراد را به شکلی هرچه دقیقتر مشخص کنید.

تغییرات و تحولات حاصل در ذهنیات توده‌ها در دو ماه شهریور و مهر را در ابتدا از دو جنبه مورد ارزیابی قرار میدهیم از یک سو سیر روبه‌گسترش روحیه اعتراضی توده‌ها و اشکال بروز آن و از سوی دیگر با زتاب و قابیعی مهم این دو ماه در ذهنیات توده‌ها. در اینتها با نگرشی بر ذهنیات موجود در مورد حکومت آینده، محسوس و فعالیت‌های سیاسی و ترویجی پیشرو در راستای پیروزی انقلاب و مبارزه با استبداد دیکراتیک خلق را یادآور می‌شویم.

رشد روحیه اعتراضی توده‌ها

اعتراضات و مبارزات توده‌ها، هر چند بشکلی درجی و بیظمی، روبه‌گسترش است و هر روز، هر هفته و هر ماه که میگذرد متکامل تر گشته با ردیگر اشکال آشکار و پراکند در زمینها، هر چند هنوز هم به روشی علنی و غیرتفرت مردم رژیم در وجه غالب خود از کانال مشکلات و فشار اقتصادی میگذرد اما در این دو ماه - شهریور و مهر - بارگه‌های از ارتقاء اعتراضات علنی توده‌ها به مسائل سیاسی مواجیم. این اعتراضات عمدتاً بروز آنجا روخشم توده‌ها در رابطه با درنده‌خویی رژیم و اقدام دستگیرگری فرزندان قهرمان خلق است. اعتراضات مستقیم نسبت به اقدام‌ها و دستگیری‌ها محدود است. غالباً "اعتراضات با مسائل اقتصادی آغاز می‌شود و آنگاه با اعتراضات سیاسی ختم میگردد. محور اعتراضات سیاسی مسئله اقدام‌های وحشیانه رژیم است و دستگیری‌ها در مرحله دوم قرار دارد. در وجه کلی سیر اعتراضات سیاسی اعتراضات نسبت به کل اعتراضات سیری فزاینده را در وجه به پایان این مقطع نزدیکتر می‌شویم. این وجه از اعتراضات بیشتر میشود، اما در تمام مقاطع، بعد از اعتراضات سیاسی یکسان نیست. بعد از تفجیر نخست وزیر شاهد افت این وجه از اعتراضات و در اوایل مهرماه شاهد اوج آن هستیم که این اوج عمدتاً "برائت‌کننده‌های جدید ما همدین میباشند، بتدریج بر خورد توده‌ها بسیار

مسائل سیاسی از سطح به عمق کشیده - میشود بشکلی که در اوایل مهرماه در برخورد با هتفکرو تمعق دریا فتن اشکال مقابل با حاکمیت هستیم. در گزارش به تاریخ ۶۰/۶/۸ آمده است: "مردم اعداها و شکنجه‌ها و کشتار اخبار سیاسی را میخواهند به هر طریق که شده بفهمند، خودشان هم به این نتیجه رسیده اند که گروه‌ها به تنها نمی‌توانند کاری بکنند و آنها هستند که باید اقدام کنند. به قول خانمی میگفت با بد نقد مردم تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار بگیرند تا کاسه صبرشان لبریز شده و به کوچها بریزند که دیگر هیچ قدرتی طوی آنها را - نمیتواند بگیرد. اکنون این سؤال در ذهن همگی است که به چه طریق میتوان از این جو فرار کرد و این چه رجبوب را شکست

هرگاه می‌خواهیم اعتراضات توده‌ها نسبت به اقدام‌ها و دستگیری‌ها را که در مجامع عمومی بروز غلظتی می‌یابد دسته بندی کنیم میتوان گفت الف: انزجار و نفرت از اقدامات و کشتار جوانان و در وجه ضعیفتر از نگرانی از وضع زندانیان سیاسی ب: حمایت مادی و معنوی از انقلابیون و احترام شدید نسبت به آنان. ریفی می‌نویسد: "او خرابی روبه‌یکس از با نکهات رستم، چنین صحنه‌هایی را ندیده بودم کارمندان با تک بدون استثناء به اقدام‌های روز قتل در مقابل همه - مشتی با بدای بلند اعتراض می‌کردند یکی از آنها میگفت: "دیروز قتل عساکم گردید، دیگری با طنز خاصی میگفت "قتل عامه بلکه اعدا انقلابی! این قاطعیت انقلابی است! و گامیندن با این میگفت اینها بی شرمی را از حد گذرانده اند - جوانهای مردم را ساعت ۴ بعد از ظهر دستگیر میکنند ساعت ۸ شب اقدام میکنند در گزارشات دیگر نیز به موارد متعدد از این گونه اعتراضات سیری خوریم دختر محل خرد بورژوازی متوسط میگفت "دولت عربی اینکه بیاد دست سرما به داران را کونان کند و کلاها و اجناس را به قیمت ارزان در خدمت مردم قرار دهد می‌باید جوانان را ملک را گروه گروه اعدا میکند" راننده تاکسی میگفت "این بلاهای که بسرمایا دهه‌هاش زیر سر همین سرما به - دارهاست هیچکس دیگه این وسط تقصیر ندارد اینک تو بیکاری یا اون جوانهای بیگناها اعدا میشوند همه‌اش تقصیر همین سرما به دارهاست. در شیراز خانم مسن زحمتکشی در صفر میگفت "دل همه خون است هم جوانها را از دست میدهیم، هم توصیف با بستیم هم صبح تا شب فحش و توهین بشنویم" راننده تاکسی به پاسداری متک میگفت یکی از مسافرها گفت "آقا مواظب باش اینها دیوانه هستند یک دفعه عصیان می‌شوند و همه ما را زیر رگبار میگیرند راننده میگفت "به جهنم وقتی بچه‌های ۱۵ ساله ما دارند اعدا میشوند غیرت ما کجا رفته که می‌ترسیم کوچکترین حرفی بزنیم" یک دهقان شمالی میگفت "اگر حکومت با این کارهای خود که برج را تومان را قیمت گذاری کرده است و جوانان را دست‌دهسته اعدا میکند بخواد ادا مدهد ما در مقابلش خواهم ایستاد" کارگر کانکی در تاکسی میگفت "۲۰/۰۰۰ زندانی داریم اینها که شرم و حیای ندارند همه‌شون را میکشند" پیر مرد خرد بورژوازی میگفت "شاه‌ها به مخالفینش همین رفتار

را میکرد یعنی یا سخ مخالفین را با اعدا می‌شیربان و شکنجه میدادند تا این بود که مجاهد فدائی‌ها از جنايات شاه با خبر بودند در نتیجه از ترس اینکه مردم را آنگاه کشتند آنها را میکشت این رژیم هم همان کارهای شاه را می‌کند ما به قول همکارانم درپوش مذهب - روند شکل گیری و رشد اعتراضات - سیاسی در تعامی شهرت آنها نیز به وضوح به چشم می‌آید. کارگر مسنی در تبریز میگفت "رژیم با این کارها نه تنها نمی‌تواند جای خود را محکم کند بلکه برای خود دشمن می‌تراشد فکرش را بکنید یک نفر تیرباران میشود چند نفر مخالف میشوند، برادرزاده، خودم دستگیر شده است ۲۵ نفر فقط از خانواده ما از این رژیم را ضی شده اند" خانه - دار مرفهی در لاهیجان میگفت "اینها با این اعداها گور خود را می‌کنند" پیر مرد زحمتکشی در تبریز میگفت "توشه‌های را حت ادم میکشند یک کاغذی میگذازند توی جیب بعد توخا با ن میریزند روستا و کاغذ را بیرون میکشند و جرم اعلامیه‌ها شدن تیرباران است میکنند کارگر جاه کنی در همدان میگفت "هر کسی حرف بزند میگویند ضد انقلاب بسه اما متوهین کرده - می‌رند اعدا می‌کنند در مشهد کارگر جوانی را دیدم که فکری کرده همه را می‌کشند یا مثل اون روزهای قیام همه دست به دست هم بدهند آخبریک دست اعدا دارند" در گزارش از بخش کارگری آمده است "در کاخ نجات بسیاری از کارگران و کارمندان بهر شکل و صورت کسی از خانواده‌شان گرفتار رژیم است چه بصورت اعدا و چه بصورت زندانی از همین روحت با بر سر اعدا زود با لامیکردن کارگرها شین سازی - اراک میگفت "از خراج لولوسرخرمن دست کردند و با اعدا مردم را تیربارانند از شاه هم بدبخت تر هستند هیچکس باهاون نیست " و خانم خانه دار ۵۰ ساله ای از قشور زحمتکش و فقیر میگفت "این زمانها کجا هستند چرا این پدر و مادرها را در یک ساعت و یک روز معین به خیا با ن نمی‌کشند که شعرا آزادی - زندانی سیاسی را بدهند من همان موقع ها که وقتی مخالفان شاه هستند زندانی سیاسی را دادند چون عده آنها زیاد بود موا قعین رژیم همه حقه حسون گرفتند".

فداکاری انقلابی - ریای جوبه - های را در مقابل جوجه‌های اعدا، قهرمانی‌های انقلابیون در زیر شکنجه - های جلادان و در سایه هچلهای رژیم و حماسه آفرینی‌هایشان در مقابل سسل مزدوران سرما به و در هنگام انجام عملیات انقلابی آنان را بخوبی در ذهنیات توده‌ها طرح کرده است. توده‌ها با احترام خاصی از انقلابیون محبت میکنند، آنان را تحسین میکنند و در حد توان خود طوق و شیوه‌های مختلفی را در جهت ابراز حمایت و پشتیبانی از آنان بر می‌گزینند. البته با بدگفت - اسعاد این شکل از برخورد در شهرهای مختلف کاملاً متفاوت است و مثلاً "در تبریز نسبت به تهران اعتراضات سیاسی کمتری شکل می‌گیرد اما در شهرهای شمال روحیه اعتراضی بالاتری را شاهدیم که این مسئله به عوامل متعددی از جمله حضور و شدت پیشرو، سابقه مبارزاتی، روشهای رژیم در رابطه ویژه با آن محیط و تشریفاتی توده‌های مناطق مختلف بستگی دارد. در ایالت یکی از دهات شمال وقسی

ارزایی ذهنیات

بنیه از صفحه ۹
سخنران مجلسی به یکی از مجاهدین محلی که اعدام شده بود توهین کرد مردم مجلس را ترک کردند و در بسیاری موارد مردم نیروهای انقلابی را که تحت تعقیب با سداران بوده اند بیست داده اند، دختر جوانی که در بیما رستان کار می کند با احترامی عمیق می گفت "هرگز مجاهدین اینطور آعتراف نمی کنند همه اش دروغ هستند" محض است اینها همه حزب اللهی هستند" وقتی در خیابان مصدق را همپا می مجاهدین به رگبری منجر میشود در تاسی بیبر مردم مرقه ای میگوید "نمی دانم تیرا ندازی مجاهدین است یا سداران" و راننده تاسی با عصیانیت میگوید "معلوم است که سداران است" مجاهدین به طرف مردم تیراندازی نمی کنند" خانی یکی از مجاهدین را که کوکتیل بر تاسی کرده بود با قسم خوردن دروغ از دست با سداران نجات داده است، در یک حمله بعد از اعدام یکی از رفقا مردم محصل سیاه پوشیدند، خانی در صحبت با یک رفیق وقتی می فهمد هواداران است آدرس منزلش را به او میدهد و قول میگیرد که هر وقت کمک لازم داشتند به او مراجعه کنند، در مواردی در درگیری های مسلحانه خانی با ساری حمله به خانه های انقلابیون مردم با اجتماع و شلوغ کردن عده ای را قرار داده اند و مردم را در بسیاری نیز از باز دید مردم از خانواده شهید و زندانیان سیاسی گزارش شده است. با ساری می گفت "مردم جنوب شهر خیلی نفهمند ما در شمال شهر به راحتی وارد خانه ها می شویم ولی خدا نکند در جنوب شهر بخوابیم خانه ای را نگردیم. مردم نمی گذارند، برای همین مجبوریم همیشه نیمه شب به جنوب شهر برویم" در این میان همان گونه که در شماره ۱۳۱ بر آن تاکید کردیم خانواده های شهید و زندانیان سیاسی نیروی بالفعلی هستند که به ویژه در شرایط کنونی باید بتوان بسیاری را جهت سازماندهی آنان و شرکت در حرکات اعتراضی شان یک کار گرفت. در غالب برخورد ها حضور ایمن خانواده های قهرمان در یک محیط بیعت روحیه اعتراضی شدیدشان به ایجاد جو سیاسی منجر شده است و خشم و نفرت مردم را بنیاد بر ضد رژیم برانگیخته اند. در چندین مورد از مراسم تشییع هزار دوزخا روسه ها زنجیری شهیدای بخون خفته خلق گزارش داشته ایم در گزارشی از قبرستان لاهجان آمده است "کمیتة چها با وجود حضور در قبرستان و شنیدن فحش به خمینی و رژیم زترس هفتصدیا هشتصد نفر مردم عصیان و خشمگین که برای تجلیل از شهیدی آمده بودند جرات دخالت نداشتند" در موارد متعدد، در این شرایط خانی که خانی سداران جمع خانواده های زندانیان سیاسی و شهیدان حرکات اعتراضی شان شعرا و مردمی و مرگ بریا سداران شده است، ما در "مادر و ما پدر و ما درهای زندانیان سیاسی باید قرآن را بدست بگیریم و بیطرف زندان برویم و خواستار آزادی بیجه ها مئون بشویم همه ما را که نمی کشند تا زه کشند چه شکالی دارند" در تویوس کنده، تجریش ما در یکی از شهیدای صدامی بلند و در حالی که شک می ریخت می گفت "جون را رومی کشند که یک مشت پیروپا تال زندگی کنند آخه بیبر میتونه مملکت داری کنه، چرا می کشید همینها بودند که انقلاب کردند تورو -

تیا وردند که بنای جون شون بشی "همین ما در در حین پیدا شدن از تویوس با سداران به زندان اوین خطاب به مسافرین با حالتی شدیداً "تا راحت کینه گفت" مردم بلند شویدا اینها جوانهای مردمند که دارن کشته میشوند تورا بخدا بلند شویدا اینها را تنها نگذارید" -
جوانهای اعتراضات سیاسی که از اعتراضات اقتصادی فرار و پیدیه است، اینک برای بار دیگر کما ملاً" مشهود است و از این رو بردوش پیشرو است که با تمرکز بخش مهمی از فعالیتهای تبلیغی خود بر محور اعتراضات سیاسی، با رضای هیای موجود را از شکل فردی و پراکنده در جهت حرکات جمعی و سازماندهی آنها تا لیزه کند در این رابطه با یادآور رفتن نیروی توده ها در حرکات آنها رزمیستی و با انحرافی و کورجولگیری نمود. در این مورد باید به دو نکته توجه که فسی کردیم - توده ها در برخورد های خود بطور غالب به اعدا مها و گشتارهای رژیم معترضند و آنچه خمشان را بر میا نگیزد و آنان را به تقابل با رژیم می کشاند نسبت به دستگیریهای بی رحمانه و وجود اعتراض علنی می کنند و بر خورد های شان در این مورد نسبت به مورد اول ضعیف و محدود است. ۳- یکی از با فعل ترین نیروهای موجود در شرایط فعلی خانواده های شهید و زندانیان سیاسی اند که گاهی عملی متعددی در مبارزه بر علیه رژیم بر پا داشته اند. در رابطه با این دو مسئله در سازماندهی مبارزات توده ها باید با تکلیف بر خشم و کین آنها نسبت به گشتارگری رژیم آنان را بیش از پیش به مسئله زندانیان سیاسی جلب نمود. در این رابطه باید به توده ها گفت زندانیان سیاسی کینت، اما نش چیت، برای چه زندانیان است؟ آیا بدیهه توده ها تجارب گذشته شان را یادآوری کرد و قدرت لایزالشان را به آنان نشان داد، باید ارتباط تنگاتنگ آزادی زندانیان سیاسی و لزوم سقوط رژیم را به توده ها نشان داد، باید توده ها را به حمایت وسیع از خانواده های زندانیان سیاسی برانگیخت. در این حال در ارتباط با خانواده های شهید و زندانیان سیاسی باید آنان را وسیعاً سازمان داد، باید ارتباطی منظم و قوی در میان خانواده شهید و خانواده زندانیان سیاسی برقرار نمود، باید این خانواده ها را بیش از پیش به جماع عمومی کشانید، باید آنان را در صف ها، تویوس ها و سایر محلهای توده ای به افشای رژیم و جلب حمایت مردم فرا خواند، باید ملاقات های دسته جمعی با زندانیان قهرمان در زندان انجام داد، باید مراسم تشییع جنازه شهیدان و ختم و حتی مجال آنرا وسیعاً شکل داد و آنرا به نطفه ای جهت بروز اعتراضات توده ها بدل ساخت. باید مردم را به شرکت در اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل دادگاهها، دادگستری، کانون و کلا و زندانیان فرا خواند، باید کوچکترین اعتراض را سازمان داد و در جهت ارتقای آن کوشید حتی با دیدن دشمنان، پرستان و خدمه بیما رستان را بر علیه حرکات سرکوبگرانه و فاساد شستی مزدوران در بیما رستانها و بر علیه دستگیری همکاران نشان به حرکت در آورد، باید آنانرا جهت حمایت از انقلابیون زخمی بسیج نمود، بهر رو با بدو وسیعترین توده ها

را حول شعار زندانیان سیاسی آزاد باید کرد، کرد آورد. در عین بکار رگبری تمامی این روشها با بدو مانع موجود بر سر راه ایجاد چنین تجمع ها می با گوشمالی دادن حزب اللهیها تا حدودی دی بر طرف گردد. باید عیناً بر منفور و سرکوبگر، عیناً بر شتخته شده ای که همواره به جمع خانواده ها حمله میکنند، با ساری که خانواده ها را مضروب میکنند و... با قهر انقلابی پیشرو از میان برداشته شوند، بعنوان مثال در تجمع خانواده شهیدان در گورستان محدوده خوران که مورد هجوم وحشیانه حزب اللهیها قرار گرفت رفقا و هواداران که از این اجتماع از پیش مطلع بودند - میتوانستند با آماجگی قبلی بخوبی حزب اللهیها را گوشمالی دهند و در این رابطه توده ها را با بنی از پیش بسیج کرده به حرکت وادارند، شاگردان آندند - مینی بوسی که از جلوی این گورستان رد میشد می گفت "اگر این وحشی ها دوبار رگتک بخورند بدی که از این غلط ها نمی کنند" مجازات انقلابی جاسوسی که فرزندانش انقلابی خانواده زحمتکش را لو داده است یا برای خانواده فقیری مزاحمت ایجاد کرده، اگر با بنی اعلامیه توضیحی در منطقه همراه با شده تنها نظریست مبارزاتی توده ها را با لایم بر دبلگسه زمینه مسا عد برای پذیرش رهنمودها و ایده های پیشرو را نیز فراهم میسازد. بهر رو باید تمام توان خویش را بکار گیریم تا شعار آزادی زندانیان سیاسی را به خواست مشترک و همگامی وسیعترین توده های خلق بدل سازیم و خشم و کین و نفرتشان نسبت به اعدا مها و گشتارهای رژیم را به سلی بنیان کین تبدیل کنیم.

اگر بدارد...

شعری از یک رفیق کارگر
زندانیان
باشمایم! از جا برخاستن
و آنانکه از جا برخاستند
ما زندانی هستیم
باز زندانیان بی رحم
زندانیان بی رحمی
بر دست و پای ما پیچیده اند
زندانیان ما کسیت؟ چیت؟
زندانیان ما، گرسنگی و فقرمان است
زندانیان ما سفره های خالیمان است
زندانیان ما چشمان منتظریت که شب
بدستمان آورده دوخته میشود
زندانیان ما دستزدمان است
واستشمار
بسبب خیزید رفقا!
بسبب خیزید آنانکه همهم
و آنانکه بسبب خواهد ساخت
بسبب خیزید که زبنا خاستمان
تنها زنجیرهای خود را
از دست خواهیم داد.
اما، دنیا بی بدست خواهیم آورد.
دنیا بی عاری از فقر
عاری از گرسنگی
عاری از حسرت
دنیا بی که زنجیرها در آن
مفلو زان باشد
مفلو از آزادی باشد و کسار
بسبب خیزید همرا
و بسبب خیزید آنانکه بسبب خواهد ساخت
پیروزی از مات
و اینرا بیگمان
طلوع خورشید فردا
فردایی نه چندان دور
به ما خواهد گفت

تقلیدی ناشیانه از شگردهای...

نصفه از صفحه ۱۱

ارسطویی کارگران و دهقانان تحت رهبری بلشویکها جهت سرنگونی تزار مبارزه - منگردند تا حکومت انقلابی کارگران و دهقانان را برقرار سازند و از سوی دیگر امپریالیستهای انگلیس و فرانسه با ترغیب میلیتوکف و گوجکف و ترکا پیمان به تسخیر قدرت سیاسی دست نهادند و بخشدند به جنگ امپریالیستی رادیکال میکردند در این مقطع بلشویکها با این سیاست "هم آواز" همسو شده بودند. در این رابطه نقل قولی هرچند طولانی را از لنینسین میآوریم لنین در نامه اول از مجموعه نامه های از دور در تقابل کسانی گفته خواهد آن کرده بوشی توطئه های امپریالیست - های انگلیس و فرانسه با گوجکف ها و میلیتوکف ها با هدف خلق سلاح نیکسلائی رومانتف بودند میگوید "اگر انقلاب با این سرعت و - از لحاظ ظاهر - در نخستین نظری سطحی - با این طرز ادا دیگرال بیروز گردید علتش فقط این بود که به حکم موقعیت تاریخی فوق العاده خود ویژه ای جریانهای بکلی گوناگون منافع طبقاتی به کلی با همگون و تضاد بیابانی و اجتماعی کاملاً متناسق با هم درآمیختند و به طوری نگران با یکدیگر "هم آواز" شدند. بدین معنی که اگر یکطرف امپریالیستهای انگلیس و فرانسه با توطئه جیبی خود میلیتوکف و گوجکف و ترکا را به منظور ادا نامه جنگ امپریالیستی با سرخشنی و بنادای نینز ریش و به منظور کشتار میلیتوکفها و زکود دهقان دیگر در روسیه به صرف حکومت تر... می نمودند... و از طرف دیگر جنبش انقلابی عریضی سرولتاریایی و توده های مردم (تا مسهل تمام اهالی نه بدست سپرده) وجود داشت که هدفش نان و صلح و آزادی واقعی بود. نهایت صرف بود اگر کسی در باره "بتشیانی بیرولتاریای انقلابی روسیه از امپریالیسم کادنتها و اکثریت ها - امپریالیسمی که با پول انگلیسیها سرهم بندی شده و از لحاظ بلندی از امپریالیسم تزاری دست کمی ندارند - سخنی به میان آورد. کارگران انقلابی برای انهدام سلطنت بلشویک تزاری کوشیده و به میزان قابل ملاحظه ای آنرا منهدم نموده و تنها آخرین خست سپید من خواهند گردیدون - لنگه تعف تاریخی به آنان دست دهگه از لحاظ تاریخ معین و گونا هی که از لحاظ اوضاع و احوال خود جنبه استثنائی دارند کسانی نظیر سوکسن ، گوجکف ، - میلیتوکف و ترکا - با مبارزه خود در راه - نوعی سلطانی با سلطان دیگر (که ترجیح میدهند از همان زمانف ها باشد) - به کمک آنها می آید!

پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ورق برگشت در اینجا ارتجاع تزاری در جهت سرنگونی رژیم حاکم میکوشید و بلشویکها نیز در جهت بدست گیری قدرت و برقراری حاکمیت سوسیالیستی گام میزدند. در این تیزرو با ارتجاع تزاری همسوخستند. در اینجا لنین به خاتمیسی که به آنها به مقابلسه با ارتجاع تزاری بتشیانی از دولت ضد انقلابی حاکم را توصیه میکردند میگوید "هرکس بگوید کارگران ، به منظور مبارزه با ارتجاع تزاری ریسیم بنا زد دولت جدید بتشیانی کند... آن کس که کارگران و بیرولتاریا و امصلح و آزادی خیاتت و رزیده است ، زیرا همین دولت جدید است که... دست و پا پیش به تزار می

امپریالیستی و سیاست جنگی و غارتگرانه امپریالیستی بسته است و هم اکنون (بدون کسب تکلیف از مردم) شروع به بندوبست با خاندان سلطنت کرده است... پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثر امپریالیستهای جهان نخواهند به حکومت نیویورک شوروی بورش سردند و کمتر به نایب بودی آن بستند در این رابطه مار - دیگر بلشویکها بخشی از امپریالیستها همسو "هم آواز" شدند - لنین در این مورد در "نامه ای به کارگران آمریکا مینویسد "هنگامی که در فوریه ۱۹۱۸ - لاشخوران امپریالیست آلمان نیروهای خود را به روسیه بدون ارتش و از همراشه های که بیرولتاریا بر اساس همینستکی بین - انقلابی ، بیش از بلوغ کامل انقلاب از آن پشتیبانی کرده بودند ، بورش آورد ، من با سلطنت طلبان فرانسوی با ختم من در این مورد کوچکترین تردیدی به خود راه ندادم. کما بیان سا دول افسر ارتش فرانسه که در لفظ به بلشویک ها علاقه نشان میداد ما خود وفا دارا امپریالیسم فرانسه بود ، لویز ساک افسر بلند پای فرانسه را پیش من آورد ، لویز ساک به من گفت "من یک سلطنت طلب هستم و تنها خواسته ام شکست آلمان است " گفتم ناگفته هم خلاصت ، اما این به هیچ وجه سبب نشد که با این افسران کارشناس مواد منفجره در مورد خرابکاری در راه آهن به منظور سبکدوشی از جمله آلمان ها وارد مذاکره شوم ، این یک نمونه از "سازشها" بی است که هر کارگر آگاهی تأییدش - میکند زیرا به نفع سوسیالیسم می باشد... در این برهه منافع ما همسو شده بود...

جنگ جهانی دوم وجهه واحد مشکل از شوروی انقلابی با امپریالیستهای فرانسه و انگلیس و... بر ضد فاشیسم هیتلری ، همسویی حقیقی است انقلابی شیلی در مقطع حکومت آلمانی با امپریالیسم آمریکا بود... نمونه های دیگری از این مسئله اند.

رژیم و مزدورانش یعنی ریزینیستهای اکثریتی راست و توده ای میکوشند با جعل حقایق و با فریب و نیرنگ این همسوئی را بصورت وحدت منافع و حتی وابستگی و اتحاد بین نیروهای انقلابی و امپریالیسم جلوه دهند و از بیروست که با بیداری این رابطه وسیعاً به تبلیغ پرداخت و از اجیف زهر آگین آنان را افشاء نمود.

چه کسانی در خدمت امپریالیسمند؟ در انتها نیز باید به این سؤال پاسخ داد که علیرغم همسویی مقطعی آنها با امپریالیسم چه کسانی در حقیقت در خدمت امپریالیسم قرار دارند؟ آیا نیروهای انقلابی که در جهت آگاه کردن توده ها ، افشای هرگونه سازش با امپریالیسم و مقابله با هر حرکتی که در جهت تحکیم وابستگی صورت بگیرد گام میبرند و آنگاه نیروهای انقلابی که در جهت تشکیل توده ها در شوراهای مسلح انقلابی میکوشند آیا نیروهای انقلابی که با لنین - دراز در خون و نش و کنوله در مقابل سرکوبگران خلق رزمیده اند در خدمت امپریالیسمند ، یا رژیمی که با برقراری سانسور و اختناق جلوی هرگونه آگاهی توده ها را سد نموده و به ترویج فرهنگ ارتجاعی و خرافاتی مشغول است ، یا رژیمی که گام یک گام پیوندهای امپریالیستی را تحکیم بخشیده خرید تسلیحات امپریالیستی را سازمان داده ، قرار دادهای اسارت با رملیارد دلازی متعدد میسازد ، یا رژیمی که هرگونه شکل توده ها را با گلوله درهم میکوبد و

هرگونه شرکت خلق در سرنوشت خویش را بنا اعدا میسازد ، یا رژیمی که با واکیها و فرماندهان مزدور ارتش و بگوشه خریدگان دوران شاه را با خدمت گرفته است ، چه کسی به امپریالیسم خدمت میکند ، رژیمی که هزاران جوان انقلابی را به جوخه های اعدام میسازد یا نیروهای انقلابی که به مقابلسه با سرکوبگران توده - ها برخاسته اند ، مسلح کردن ملاحظیها با رزاتی ها و دهها فتوادل و زمینسدار دیگر در اقصی نقاط ایران در خدمت امپریالیسم است یا مسلح کردن شورا های خلق ترکمن ، با سازی سریع ارتش - آریا مهری در خدمت امپریالیسم است یا مسلح بودن و مبارزه کردن خلق کرد در جهت تعیین سرنوشت ، تبلیغ تسلیح توده ها و گام برداشتن در این جهت در خدمت امپریالیسم است یا سازماندهی سپاه پاسداران ، خلق سلاح ، سرکوب و کشتار خلقها ، در این مورد میتوان صدها مثال آورد اما کاملاً روشن است که چه کسانی در خدمت امپریالیسم قرار دارند .

بله رژیم جمهوری اسلامی و تمامی مزدورانش و از آنجمله اکثریتی های راست و توده ایهای خائن علیرغم تمامی فریادها نشان بر ضد آمریکا ، علیرغم تمامی ژست های ضد امپریالیستی اشان بدروستی در خدمت امپریالیسم قرار - دارند و در جهت منافع آن گام میزنند .

چهره ها و تقصیر و جنایتکاران ضد انقلابی
تقی پاشائی می شود!

چهارشنبه ۲ آذرماه ۱۳۶۰ شماره ۳۷ صفحه ۱۲

جمعیات بسی شهان رژیم خون آشام
جمعیات بسی اسلامی

چهارشنبه ۲ آذرماه ۱۳۶۰ شماره ۳۷ صفحه ۱۲

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بگوشید



ارگان سازمانی نقش و وظایف آن (تست همبازرات خود را حول ارگان سازمان - نشریه گل - سازمان دهیم

گزارش دهی :

برقراری یک سیستم گزارشی صحیح و منظم یکی از عمده ترین وظایف یک تشکیلات کمونیستی است. بصورتیکه لنین در نقدی که بر طرح سازمان حزب انقلابی سنسنت پترزبورگ مینویسد پس از بررسی کاملاً آشنی نامها را که شده جهت یک سازمان - محلی مینویسد "من با تجزیه و تحلیل طرح آشنی نامها شروع کردم تا هدف از پیشنهادهای خود را واضح تر نشان دهم و میداورم - اکنون برای خواننده روشن شده باشد که در اصل بدون آشنی نامها نمیتوان سرگرد چنانچه گزارشی منظم در باره هر حوزه و در باره هر جنبه از کار را نشان دادیم - (نامها به یک رفیق - لنین) لنین بدین - طریق نقش پر اهمیت گزارشی در درون یک تشکیلات را بخوبی روشن میسازد.

گزارش دهی در شکل کلی خود در دورا بطن صورت میگردد. گزارشی دهی در رابطه با تشکیلات و گزارشی دهی در رابطه با توده ها. گزارشی دهی در رابطه با تشکیلات و سیله های است برای انتقال تمامی مسائل، اتفاقات و اخباری که در رابطه با عملکرد تشکیلات به وقوع می پیوندد. در این مورد میتوان از گزارشی جلسات، گزارشات، اتفاقات و نتایج از خود، گزارشی مصوبات مرکزیت به تشکیلات و... نام برد. لنین سازمان انقلابی را به از رگبری بزرگ تشبیه میکند و میگوید "برای آنکه رهبری (انظرون که اکنون بوده) فقط به مشورت کردن، قانع کردن و بحث کردن نیاید بلکه واقعا بتواند رگش را رهبری نماید. دانستن این نکته که چه کسی و در کجا چه کاری را مینواید، بنواختن کدام آلات موسیقی را کجا و چگونه یا دگر گرفته است یا در یاد میگیرد، کجا و چرا خراج زنت مینوازند (نگاه به چه موسیقی صدایی گوشخراش دارد) و برای از بین بردن این صدای نا هنجار چه کسی را بایدجا به جا کرد، چگونه و به کجا و غیره، - ضرورتی بسیار زیاد است (همانجا) تصور می رود در این مورد ضرورت گزارشی دهی سیستماتیک و مرتب نیازی به توضیح ندارد. شایسته این عمل تنها ویا یکی از عمده ترین کارهای تشکیلات است. مسائل تشکیلات به مرکزیت انتقال نظرات سیاسی و تئوریک و تشکیلاتی رفقا به با لیاو انتقال نظرات، مصوبات، گزارشات و دستورات مرکزیت به توده های تشکیلاتی است. کمبسترون در این مورد می نویسد "یکی دیگر از وظایف موجود در - فعالیتهای کمونیستی ارسال گزارشات است. این وظیفه کلیه ارگانها و سازمانهای حزب و همچنین هر یک از افراد عضو است. باید گزارشات تی کلی که فو اصل زمان کوتاهی را شامل میشود وجود داشته باشد. کمبته های مخصوص حزبی باید اید را گزارشات مخصوص در باره کار خود یا شند (کمبسترون - اصول - تشکیلات حزب) لازم است که کار گزارشی دهی بقدری سیستماتیک باشد که بصورت یک - روش وضع شده بعنوان بهترین رسم یک جنبش کمونیستی در آید" (همانجا)

در همین مورد باید متذکر شد شکل گیری یک سیستم منظم و دقیق گزارشی دهی کسسه تمامی حرکات ارگانها و سازمانها - تشکیلات را بدرستی به با لانتقال نماید و با زتاب این حرکات در باره لار - که همانا جمع بندیها، تصمیم گیریها و اتخاذ شده آنها و تا کتیکیها میباشند در سر بهترین شکل به وسیله ترین طیف ممکن گزارشی نماید خود - یکی از مهمترین ابزارهایی است که بنسبه درستی کار را ست با نشان میدهد مگر ا تیسک را بر تشکیلات حاکم نماید. تنها در اینسن

شرایط است که تمامی نظرات و پیشنهادات حرکات و اتفاقات به بالاترین سطوح منتقل میگردد و تمامی حرکات "بالا تریها" نیز تحت کنترل دقیق و کاملاً تشکیلات قرار میگیرد. هر چند این اصل در شرایط متفاوت - اشکال مختلف بخود میگیرد، مثلاً در شرایط دموکراتیک گزارشات در ابتدا دو سببتری - تهیه میشود و گزارشی به پایین نمیتواند شکل جلسات وسیع بخود گیرد و... اما به هیچ رووبینا بر هیچ استدلالی نمیتوان و نباید به بهانه دیگری توری آنرا حذف و یا تکلیف نمود.

در دیگر سو گزارشی دهی از جامعه، از زیر خوردها توده ها و ذهنیات آنان بعنوان - سیستم عصبی تشکیلات و انتقال دهنده - ادراکات و شاخکهای حسی سازمان به تمامی سطوح آنست. از این زمره گزارشات، مسی توان گزارشی توده های، گزارشی بخش، گزارشی از نظرات و... را نام برد. برای بررسی این مبحث ابتدا نامهای را که "دبیرخانه" تبلیغات سازمان در مرداد ماه به شما می رفقای تشکیلات نوشته است بعلمت تا کید بر این مساله در اینجا منعکس میکنیم. سپس در مورد تهیه گزارشی رهنمودهای لازم می آوریم. ابتدا نامها "دبیرخانه" تبلیغات - سازمان به تمامی رفقای تشکیلات:

گزارشی نویسی را بعنوان یک سنت انقلابی و یک ضرورت نبر ما زمان دهنیم رفقا! تصور میکنیم لازم باشد با ردیگر بر اهمیت گزارشی نویسی بعنوان یک وظیفه سنت انقلابی در هر تشکیلات کمونیستی - تا کید کنیم. بر تمامی رفقا روشن است که یکی از مهمترین و اصلی ترین شیوه های ارتباط سازمان با جامعه، یکی از عمده ترین کارهای تشکیلات، وسیع ترین و عمیقترین رهنمودهای سازمان از آن طریق با بیشترین اقبال و طبعات خلق در تماس است. از آنجا فرا میگردد، - سخنان نشان را میشود و یا ذهنیات و تفکرات آنها آشنا میشود، گزارشی نویسی است. از طریق گزارشی دهی است که منحصراً اجتماع در دست سازمان قرار میگیرد و بطور خلاصه میتوان گفت عمده ترین رکن - سیستم عصبی سازمان، احساسات، ملموسات و ادراکات و شاخکهای حسی را به مغز منتقل میکند گزارشی دهی است.

اگر اینک با ردیگر - و این برای - چندمین بار است - گزارشی نویسی تا کید میکنیم یکی از علل آن شرایط ویژه ای - است که در آن قرار گرفته ایم. شرایط متحولی که باعث میگردد ذهنیت توده ها - هر روز به انداز چند ماه تغییر نماید، هسر واقعه، هر عمل انقلابی، هر حرکت ضد انقلابی رژیم، هر کنش و کنش اجتماعی، تائیری - شگرف مینهد و یا زتابی عظیم مینماید. هر روز در این دوران انقلابی به انداز بیست سال دوران رکود است. و از اینروست که:

۱- تنها سازمان پیشرو و فعال در است به اتخاذ سریع تا کتیکیهای صحیح و منطبق با شرایط متحول دست یا بدکه بخوبی بر ذهنیات حاکم بر توده ها، واقعا به جا نمونسانات حرکات توده ای احاطه باشد.

۲- این ارتباطات و اینک که در شرایط کنونی بیش از پیش شرط ضروری تداوم حیات فعال هر سازمان است دروجه عمده یا سازماندهی یک سیستم گزارشی صحیح است.

۳- سرعت انتقال گزارشات در شرایط کنونی نقش و ویژه ای میباید بصورتی که انتقال - کند آن ارگان را به تشکیلات حاکم نماید. تنها در اینسن

۴- شکل گیری یک سیستم وسیع گزارشی دهی و تشبیهات مرکزی نویسی وجه تشکیلات بعنوان یک امر همیشگی نشان نمیدهد روح انضباط پذیری پرولتری در تک تک رفقا و ارگانهای مربوطه محسوب گشته و نفوذ ما در کوچکترین زوایای جامعه و پیوند ارتباط وسیع سازمان با توده های کارگزار و حمتکش را به بهترین وجه متبلور خواهد ساخت. رفقا! متاسفانه تا کیدات مکرر بعمل آمده در مورد گزارشی نویسی تا کیدون تاثیر چندانی ننشیده و برخوردی غیر مسئولانه در اکثر سطوح تشکیلاتی به این مساله وجود دارد. رفقای ما هنوز بهیچای لازم به این وظیفه انقلابی نمیدهند و حرکات منظم و از روی برتا مه در جهت ایجاد یک سیستم وسیع و دقیق گزارشی نویسی دیده نمیشود. رفقای مسئول حوزه ها و کمیته ها تا کید لازم را به این امر ندادند و رفقای مسئولان حوزه ها و کمیته ها تا کید لازم را به گزارشی نویسی مرتب نیستند. با گزارشی نویسی به صورت یک وظیفه تشکیلاتی - که انجام گرفتن آن مسلماً "باید موجب بازخواست، انتقاد و تنبیه گردد - بلکه به صورت امری اتفاقی برخورد میگردند. هنوز گزارشات آنکده که تهیه میگردد، مدت های مدید در دست مسئولین خاک میخورد و - سیستم انتقالی سریع و دقیق در این مورد شکل نگرفته است. و بهر رو گزارشی نویسی هنوز در تشکیلات ما جا نیفتاده است.

این امر موجب شده که تنها سیستم خبر رسانی تشکیلات بشکل یکی از ضعیف ترین حلقه های سازمان باقی بماند بلکه سطوح متفاوت تشکیلاتی از یک تجربه میم و غنی، از کارهای دقیق و جامع محیط اطراف، از در دست داشتن نیش جامع بشکل کامل آن محروم گشته اند، که این کمبود میتواند لطافتی را در تحلیلها، ارزیابیها و اتخاذ تا کتیکیهای مناسب برجای نهد. (و مسلماً) تنها ده است (از سوی دیگر درک غلط از مساله گزارشی دهی باعث شده است که گزارشی نویسی منظم به بخشهای خاصی چون بخش محلی محدود گردد، بخش وسیعی چون بخش دمکراتیک از نظر گزارشی دهی، حداقل از نظر انتقال گزارشات، در حصر قرار ندادند. و بخشهای دیگر کاملاً به همین محدود، سیر میکنند. بهر حال ما تا کید میکنیم - تمامی رفقا در هر کارهای تشکیلاتی باید از محیط اجتماعی اطراف خود گزارشی تهیه کنند. تمامی اتفاقات و برخوردهای موجود در کارخانه، اداره، مدرسه، پادگان، محله روستا، کارگاه و در سطح شهر یا بدگزارش - شود.

۵- با رها اتفاق افتاده است که رفقا در جلسات، یا در دیگر برخوردها، خبرهای - متغای می دهند، از زبان مردم سخنان - بسیاری نقل میکنند و زوایای متعددی - صحبت به میان می آورند اما از گزارشی خبری نیست. در اینجا است که باید بدلیبرالسم و عدم درک اهمیت و لزوم گزارشی دهی را بعیان دید.

رفقا! خلاصه میکنیم گزارشی دهی امری حیاتی است که در شرایط کنونی ضرورتی دوچندان یافته است. با سیستم وسیع و منظم گزارشی دهی سازمان داد - بصورتی که هر رفیق یک گزارشی را شود - تمامی وقایع اطرافش را بصورت و بسا دقت گزارشی دهد. رفقای مسئول موظفند بعنوان یک وظیفه تشکیلاتی با مرکزگزارشی دهی برخورد کنند و از تمامی رفقای تحت - بنجه در صفحه ۱۴

ارگان سازمانی ...

بقیه از صفحه ۱۱۳
مسئولیتشان گزارشاتی منظم و دقیق را...
طلب نمایند. گزارشات با پیدا سرعت هر
چه تمامتر تهیه شود و انتقال آن نیز با
سرعتی چشمگیر بر خوردار باشد.
از تمام می رفا میخوانیم بعنوان یک
وظیفه این نامه را در تمام هسته ها و حوز
ها، در تمام سطوح تشکیلاتی در اولین
فرصت بخوانند و به بحث بگذارند (خوانند)
تا همه در جلسات الزامی است) و علاوه بر
انتقال سریع نظرات و پیشنهادات موجود
و ظایف ذکر شده را بدقت و طبیعت هر چه
تعمیر به پیش ببرند. ضمیمه این نامه
بررسی و توضیح مختصری در مورد شیوه گزار
دهی است. دبیرخانه تبلیغات، نیمه دوم
مردادماه ۶۰.

ضمیمه:
یک گزارش با پیدا رای چه خصوصاً می باشد؟
گزارشات را بر حسب مضمون آن میتوان به
دسته های مختلفی تقسیم کرد از جمله گزار
ش تشکیلاتی، گزارش سیاسی، گزارش پیش و...
اما صرف نظر از محتوا و مضمون و اهدافی که
گزارش در خود را در بر داشته باشد گزار
شاتی را زیر بار خود در شتابانند.
۱- در حالی که گزارش حتماً "کادری در زیر
تنظیم گشته و در آن اطلاعات کلی مربوط به
گزارش نوشته شود.

کدگذاری موضوعات در بخش تنظیم گزارش
تاریخ تحویل گزارش به مسئول:

گزارشات با بدقت و "خرا" نوشته شود و حتی
الامکان خط خوردگی نداشته باشد. گزارش
با پیدا در کدهای نا زنگاپوستی یا پوست -
بیازی) و فقط در یک روی کاغذ نوشته شود.
تا برای حمل و نقل بوده و خواننده
سود در هنگام موبختن حتماً در کد ره قسمت
راست کاغذ شده ای (۳ تا ۵) را در کد ره
متررا کاغذ مایه خالی بگذارد. گزارشات -
خبری (اخبار) حتماً "با پیدا" که تهیه
گردد. در صورتیکه امکان تهیه گزار
ش جدا گانه نیست. باید سعی شود خرید قسمت
با پاتی گزارشات بصورتی مجزا نوشته
شود تا برای حتی بتوان آنرا از بقیه جدا کرد.
۲- در نوشته گزارشات با پیدا مطالب زیر
را بدقت رعایت کرد: در گزارش مطالبی که
برای بیان موضوع ضروری است ذکر گردد و
از بیجا مطالب زائد خودداری شود. مثلاً
در یک گزارش نوشته ای آنکس ذهنیات و
واکنشهای توده ها مورد نظراست در نتیجه
دکرا سیاب و انا شده موجود در اتاق سیاب
مطالسی مانند "بعدها زبیا ده شدن از تاک
بسرعت به سر قرار رفتن" یا "اما دیگر دیر
شده بود من مجبور بودم برای بخش بروم"
و... در اینتهای گزارش را نداشت. اما
ذکر نگاه طبقاتی اشخاصی که صحبت می
کنند و یا محل تهیه گزارش و... کاغذ مایه
ضروری است.

با پیدا در متن گزارش از ذکر نظرات و
تفسیرهای شخصی خودداری کرد. تمام
نظرات شخصی خود را با پیدا در انتهای مطلب
و تحت عنوان جمع بندی یا ویرم سخنان
توده ها یا بدینها "بدون کم و کاست بیجا
تغییر در چر کرد. این نوشتن اخبار و ذکر موشق
و غیر موشق بودن آن و اینک آنرا چه کسی
و در چه تاریخی ذکر کرده است ضروریست
(منظور ذکر اسم منابع خبر نیست بلکه
مثلاً "با پیدا گفت از خلبانان نیروی هوایی
یا از کارمندان دارائی یا از رؤسای
جیاد سازندگی و...)

۳- علاوه بر ضعف بزرگ موجود یعنی عدم
وجود سیستم منظم گزارش دهی، در اکثر
گزارشات رسیده با وجود زحمت فراوانی

که رفا برای تهیه آن متحمل میشوند یک
تا رسانی بزرگ وجود دارد و آن آنکس
آئینه وار مسائل است. رفا عمدتاً آنچه
را اتفاق می افتد عیناً مینویسند. این
بسیار خوب است اما کافی نیست. از یکسو
هرگز از شکر یا بدعتی توان عنصری فعال
(نه منفعل) بحث ها و گفتگوها و برخوردها
را سمت و سوز دهد. مثلاً "وقتی شخصی میگوید
این حکومت هم پدما را در آورد، بریدر شون
لعنت ممکن است شاهی، بختیاری، بنی -
صدری باشد، ممکن است ناراضی بسندون
خط ساسی باشد و ممکن است هوادار یکی
از جریانات مترقی باشد در اینجا برخورد
فعال ما در تداوم و پیشیدن به بحث و سمت و
سودادن به آنست که به گزارش ما شکلی
کامل میدهد و قافراست آنرا به یک انعکاس
صحیح از واقعیات بدل سازد. از سوی دیگر
رفا با پیدا در عین انتقال دقیق مسائل
برداشت، تعبیر و نظر خود را نیز در مورد آن
(در اینتهای گزارش) منعکس نماید. این
تفسیرها را هکشی ارگانهای سازمانی
در جهت آشنائی هر چه وسیعتر با نظرات
و تحلیلهای تمامی رفا و در نتیجه گامی
است در جهت تصحیح هر چه بیشتر خط مشی
و عملکردهای سازمان.

۴- تا حد امکان گزارشات خود را مقوله
بندی کنید. مثلاً "رفیق که از داخل -
کارخانه گزارش مینویسد میتواند سردر
گزارشات خود ذهنیات کارگران و
برخوردهایشان نسبت به مسائل متفاوتی
از جمله حاکمیت، جنگ، گران، انتخابات
و... را مقوله بندی نماید و به ترتیب
ذکر کند. مسلم است که این عمل در جهت
هر چه دقیقتر شدن گزارشات است و نباید
به حذف برخی قسمتها بیجا من.
۵- رفا مسئولی که گزارشات را هر چه
سریعتر و در اولین قرار انتقال دهند و در
عین حال ایرادات و نقایص گزارشات
رفا را با برخوردی فعال رفع نماید.
رفا مسئول باید بدینترین سیستم
ممکن را جهت شکل دادن به یک سیستم
گزارش دهی منظم بکار گیرند و با هرگونه
برخورد لیبرالی در این امر بدست برخورد
نمایند.

۶- هر و اینک به شرح دونه گزارش،
گزارش توده ای و گزارش ضربتی میپردازیم
در عین حال که با بدقت صریح کنیم گزارشات
پخش بخصوص واکنشهای توده ها در مقابل
اطلاقیها، تراکتها و نشریات سازمان
برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار
است.

گزارش توده ای:

این نوع گزارشات با بدقت موضوعات
هر چه وسیعتری از مسائل و مشکلاتی که
توده های زحمتکش با آن درگیر هستند
را در برگیرد. و منعکس کننده ذهنیات
آنان بوده و حتی الامکان حاوی سخنان
واظها و نظرات بیشتری از توده ها باشد.
منابع تهیه این نوع گزارشات دارای
هیچگونه محدودیتی نبوده و هر کجا که
توده ها حضور دارند همانجا بهترین منبع
کسب این اطلاعات است. نقل قولهای
ذکر شده از توده ها در گزارش با بدقت
و بدون دستکاری باشد. در این گزارشات
نیاید به کوچکترین عکس العملهایی
توده ها در مورد هر مسئله توجه شود و عیناً
بیان گردد. ذکر موقعیت اجتماع محل
موقعیت اجتماعی افراد، سن و جنسیت
آنان، تاریخ و زمان تهیه گزارش -
ضروریست. مضمون یک گزارش توده ای
میتواند (و باید) شامل مسائل زیرین
باشد:

۱- توده ها در کجا خنجا، ادارات، مجامع
و اماکن عمومی، منازل و... در باره چه
مسائلی عمدتاً صحبت میکنند و طریقیست

بیان این مسائل چگونه است. تلاش کرد
مسائل اقتصادی و سیاسی، اجتماعی از
بیکدیگر تفکیک گردد و با ذکر نمونه های
مشخص تنظیم شوند.
۲- آیا نحوه اظهار نظر توده ها در مورد -
مسئله مشخص در اماکن و مجامع عمومی
و خصوصی با یکدیگر تفاوت دارد، این
تفاوت چگونه و در چه مسائلی عینیت
پیدا میکند؟ ذکر نمونه های مشخص
ضروریست.

۳- کدام مسائل در مدت زمان معینی، مثلاً
یک ماهه و یا یک هفته، عمده ترین مکان را
در ذهنیت توده ها بخود اشتغال داده است
و چه تغییراتی در ذهنیت آنان بوجود
آورده؟ تلاش شود مقولات اقتصادی، سیاسی
و اجتماعی از یکدیگر تفکیک شوند.
۴- در رابطه با گران، کمبند، کمبود
ما یحتاج و... توده ها چگونه اظهار
نظر میکنند و علل ریشه ای آنرا چگونه
ارزیابی می نمایند.

۵- اعتراضات اقتصادی توده ها در کدام
زمینه های تبلیورمی یا بدو چگونه آنرا
 مطرح می سازند.

۶- در رابطه با سرمایه داری و حمایت دولت
از سرمایه داران چه نظراتی بین توده ها
شایع است و ارتباط دولت با سرمایه -
داران توسط توده ها چگونه تبیین میشود
ذکر نمونه های مشخص ضروریست.

۷- در رابطه با شوراها چه نظراتی بردهنیت
توده ها حاکم است. ذکر نمونه های مشخص
ضروریست.

۸- تبلیغات رژیم بردهنیت توده ها چه
تا ثیری برجای میگذارد و کدام قسمت
از این تبلیغات نقش عمده ای ایفا میکند
آیا این تا ثیر پذیری سیر صعودی دارد یا
نزولی؟ ذکر نمونه های مشخص.

۹- تبلیغات سازمانهای مترقی بردهنیت
توده ها چه تا ثیری برجای میگذارد و کدام
قسمت از این تبلیغات نقش عمده را دارد
و سیر حرکتی آن چگونه است؟ ذکر نمونه
های مشخص.

۱۰- چه تغییراتی در ذهنیت توده ها نسبت
به سازمانهای مارکسیستی (بطور مشخص
سازمان ما) و سایر نیروهای دمکرات
بوجود آمده و مردم در باره این سازمانها
چگونه می اندیشند؟ ذکر نمونه های مشخص.

۱۱- نظرات مردم در رابطه با فرمیستها
چگونه است؟ ذکر نمونه های مشخص.
۱۲- توده ها نسبت به حاکمیت بطور کلی و
ارگانها و بخشهای مختلف آن چگونه
می اندیشند و تا چه حد نسبت به آن نزدیکی
و دوری احساس میکنند. با ذکر نمونه های
مشخص.

۱۳- در رابطه با تغییرات حاصله در هیئت
حاکم نظرات توده ها چگونه تبیین پیدا
میکند.

۱۴- میزان محبوبیت خمینی در توده ها تا
چه اندازه فروکش کرده و این تغییر بیشتر
در چه طبقات و اقشاری محسوس تر است؟
سخنرانیها، فتاوی و تا چه حد برد -
داشته و عمل میکنند؟ ذکر نمونه.

۱۵- در باره بنی صدر چه نظراتی بین توده
ها مطرح است و حرکات وی چه تا ثیراتی
در ذهنیت توده ها باقی میگذارد؟ ذکر
نمونه.

۱۶- برخورد توده ها نسبت به ارگانهای
سرکوب بورژوازی نظیر: سپاه، کمیته
ارتش، پلیس و... چگونه است و چه
تغییراتی در این ذهنیت بوجود آمده؟
ذکر نمونه.

۱۷- توده ها چگونه از حاکمیت بریده اند و
سوی کدام نیروها جلب و جذب میشوند و این
گرایش چگونه عمل میکند؟ ذکر نمونه.
۱۸- رفا اعتراضات توده ای نسبت به گذشته
بقیه در صفحه ۲

طرح ایران

بقیه از صفحه ۱

با اجازت دست نخست وزیر توسط او ارتباط داشته است و این تنها بخشی از برنسا هم زمینه ساز بود، بقیه قضا بیا از این قرار است که پس از زکشته شدن - با هنر و بخصوص در فاصله انتخاب خامنه ای به ریاست جمهوری و زمزمه - کاندیدائی موسوی بعنوان نخست وزیر یک سری حرکات نمایی پر سروصدا توسط میرحسین موسوی انجام گرفت، ایسن حرکات عبارت بود از شرکت جنجالسی در کنفرانس کشورهای جبهه پایبندی - (البته بعنوان ناظر و بدون اینکه کوچکترین تعهدی قبول کند) شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد و ایراد نقی در آنجا، انجام چند محیه مطبوعاتی - تبلیغاتی و اعلام برسمیت نشناختن جبهه دمکراتیک و جبهه قارای بوندوما رتسی السالو دور (در حرف) و بلاخره اعلام داشتن طرح موهومی برای "حل مسئله افغانستان" و در مورد آخری از آنجا شیکه خود جنسبایشان هم میدانست که این طرح طریبلتخالی بیش نبوده و کوچکترین نکته مثبتی برای حل مسئله ندا در لدا عمدا هیچگونه اشاره ای به محتوای طرح نکرد و تا زمان انتخابش به نخست وزیری بطور کلی سر بسته برای "طرح موهومی" تبلیغ کرد، باین ترتیب یک چهره "فعال" و "مبتکر" و "سیاستمدار" را و در نظر ساخته شد تا "لائق" خراز دست نخست وزیری باشد، از این جنبه قضیه که بگذریم، ببینیم محتوای طرح چیست؟

بجرت میتوان گفت که تا کنون هیچ طرحی در مورد یک مسئله بین المللی با چنین عدم استقبال و واکنش منفی روبرو نبوده است، این طرح آنچنان از رتجای و در عین حال غیر عملی و بی محتوا است که حتی محافل ارتجایی نظیر پاکستان و جبهه های "مجاهدان" افغانی و دیگر محافل ارتجایی جهان کوچکترین واکنش مثبت نسبت باین نشان ندادند، دولت شوروی اصولاً طرح قابل بررسی ندانست و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان ضمن اینکه طرح را "کلا" و "اساساً" رد کرد از رهبران ایران خواست که دست از تلاش برای تحمیل افکار روعفا پدکهنه سیاسی و دینی بر مردم افغانستان بردارند

خبرگزاری تاس نوشت: "افغانستان طرح صلح پیشنهادی ایران را رد کرده و آنرا دخالت بی پرده و بی محابا در امور داخلی افغانستان خوانده است"

و بلاخره کار بانجا رسیده که خود موسوی خامنه ای (طرح طرح) در صما حبه روز ۲۳ - آبان خودصراحتاً به غیر عملی بودن آن اذعان میکند، و گفت: "طرح ایران برای حل مسئله افغانستان در درازمدت بیهوده است و دنیروهای مردم و مبارزان این کشور خواهد انجامید... این طرح یک گروا بشی را بوجود خواهد آورد که عناصروا بستن به غرب و شرق را در میان حرکتیای مردمی افغانستان تصفیه خواهد کرد" باید از آقای موسوی پرسید که این طرح برای "حل مسئله افغانستان" در شرایط کنونی است یا رهنمودی برای "پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان"؟! بدیهی است که با این سخنان معلوم است که هدف "حل مسئله افغانستان" نبوده است.

اما از آنجا شیکه این طرح شکست

خورده رای آن اهمیت نیست که به تشریح مفاد آن بپردازیم لذا به نکات اساسی آن اشاره ای می کنیم:

۱- این طرح بیا نگراداً مداخلت آشکار رژیم جمهوری اسلامی در افغانستان است، اگر رژیم ایران تساکنون با تجهیز و مسلح کردن نیروهای ارتجایی و وابسته به محافل امپریالیستی تحت عنوان مجاهدین افغان "به جنگ با دولت افغانستان" دامن زده است اکنون در این طرح هم رسماً "درامور افغانستان" دخالت کرده و راه حل مسئله افغانستان را دخالت رسمی نیروهای نظامی ایران و پاکستان و ویک کشور دیگر اسلامی در افغانستان میداند، همچنین در این طرح بانفی دولت و خلق افغانستان اداره امور سیاسی افغانستان را بدست یک "شورای ۳۰ نفره اسلامی" متشکل از روحانیان میا ز روحانیان اسلام و این شورا است که یک "شورای مؤسسان از روحانیون و خیرگان افغانستان" را انتخاب کرده و سپس شورای فرماندهی برای نیروهای نظامی و ارتش افغانستان و شورای - انقلاب بوسیله آن اداره خواهد شد، و در ضمن تا تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین نوع حکومت و تدوین قانون اساسی شورای مؤسسان به مثابه مجلس و شورای انقلاب مثل دولت کار خواهد کرد و نیروی مسلح اسلامی (متشکل از قوای ایران و پاکستان و ویک کشور دیگر اسلامی) در زیر پوشش عالی شورای ۳۰ نفره - روحانیت جهان اسلام عمل خواهد کرد، باین وضع ما بایک لبنان دیگری روبرو هستیم که هر یک از دول دخالت کننده در امورا افغانستان میاست و برنا مه های خود را بر پایه خواهد کرد که در رنه های آقای موسوی آمده و راست یک جمهوری اسلامی نظیر آنچه در ایران بپا ده کرده اند در آنجا برقرار کنند، این مسئله را میسر صین موسوی در صما حبه اش بصراحتت اقرار کرده است، او میگوید: "این طرح با توجه بیاقت داخل افغانستان و تجربه سیاسی که در انقلاب خود داشتیم تهیه شده است."

۲- این طرح حق حاکمیت دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان را زیر پا گذاشته و در هیچ کجای آن اسمی از دولت افغانستان به میان نمی آورد، گوئی دولتی وجود ندارد و وقتی که میگوید "مذاکره در مورد طرح فوق نمیتواند بپا پذیرش اصول دوگانه و چارچوب کلی طرح از سوی شوروی بین پاکستان و ایران و نمایندگان مجاهدین افغانی شروع شود."

یعنی در مسئله افغانستان دولست شوروی از یک طرف و دولتین ایران و پاکستان و "مجاهدین افغانی" و جسد دارند و دولت خلق افغانستان مطرح نیست، در اینصورت دولت ایران حتی از دولت ارتجایی و وابسته به امپریالیسم پاکستان هم بیا قرا تر گذاشته است زیرا دولت پاکستان لااقل با حرکت از - واقعیت مذاکره با دولت افغانستان را

قبول دارد در درجه ای که دولت ایران با لکل دولت خلق افغانستان را حذف کرده است، روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ آبان در این باره مینویسد: "لازمه یاد آوری است که پاکستان از انجام مذاکرات سه جانبه بین ایران و پاکستان و حزب حاکم افغانستان حمایت کرده است"

کار

اما اینکه چرا دولت ایران چنین طرحی را ارائه داده است صرفنظر از جنبه های تاکتیکی و انتخاباتی که به آن اشاره کردیم، مسئله اینست که دولت ایران بعنوان یکی از کشورهای داخل در قضیه افغانستان و بیا توجه به طرحهای متعددی که در اینستا زده شده است باید چیزی میگفت و ثانیاً "وجود یک میلیون و پانصد هزار افغانی در ایران با توجه به بیگاری بیش از ۴ میلیون نفر و مسئله جنگ و بحران اقتصادی، مشکلات فراوانی را بوجود آورده است که به همین دلیل یکی از خواستهای ایران است زگردانیدن افغانیها به افغانستان و بیا و یکی از مواظرات ایران "بازگشت پناهندهگان مجاهد افغانی به داخل خاک افغانستان" می باشد، علاوه بر آن اخیراً "هم محدودیت و هاشی برای افغانیها بجا شده است برنا مه گردآوری افغانیها در اردوگاهها برای تحت کنترل در آوردن آنها و سپس خراج آنها در دستور می باشد.

شک نیست که خلق افغان در شرایط شوری بسر میبرند، جنگ داخلی که از یکسو نتیجه شیوه های بلانکیستی قبضه قدرت و اقدامات اشتباه آمیز و عجولانه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در برپا ده کردن برنا مه های اقتصادی - اجتماعی و وجود اختلافات شدید بین اجزای تشکیل دهنده حاکمیت از سوی دیگر و فعالیتهای خرابکارانه و ضد انقلابی و مرتجعین و فاشیون، اما لکن از رتی و سرمایه داران (که تحت نام مجاهدین افغان فعالیت میکنند) که رتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی بآن دامن میزند، میباید شده و با مشکلات بسیار روبرو کرده است، از طرف دیگر حضور ارتش شوروی - اگر چه در جلوگیری از تسلط ضد انقلاب و مداخله و تحریکات خازجی نقش داشته است - خود بعهامی در تدرید بحران درجا معافغانستان بدل شده است که چنین مسائلی ضرورت خروج هر چه زودتر آنرا بیا میکند، اما در این هم نیست که راه حل بحران افغانستان نه در طرحهای نظیر آنچه ایران بیا پاکستان... ارائه میدهند نهفته است بلکه راه حل بحران را بیا بد اتخاذ دیک سیاست انقلابی و دمکراتیک جستجو کرد، این راه حل انقلابی اجرای برنا مه های انقلاب دمکراتیک نوین با اتکاء به نیروهای این انقلاب بعسی کارگران، زحمتکشان شهرووستا و خرده بورژوازی با رهبری طبقه کارگر میسر است، بدیهی است در صورتیکه ایسن نیروهای دمکراتیک جا معافغانستان قوه محرکه انقلاب باشند و مسلحانه از دست وردهای خود دفاع کنند هیچ نیروی ضد انقلابی و ارتجایی قادر نیست در مقابل انقلاب مقاومت کند و در این حال اصولاً نیازی به حضور قوای شوروی یا کشور دیگری بجا نخواهد آمد.

میتینگ

بقیه از صفحه ۴

در حاشیه میتینگ: در ابتدای میتینگ تعداد دجده نفر عدا مزدور حزب آلپی مسلح به قوا - جماعتی از جناب قمبر هم زدن این میتینگ افشاگرانه را داشتند که بدلیل حمل سلاح در خیابان توسط پلیس با زداشت وین از چند ساعت آزاد شدند.

رهبری طبقه کارگرمیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقیای ایران است

اخبار مدارس

تهران

مدرسه بهار آزادی - در تاریخ ۶/۸/۶۰
 هواداران مجاهدین موفق میشوند از -
 فرصتی بدست آمده حدود ۱۰۰ اعلامیه -
 دستنویس را در مدرسه پخش کنند، بچه ها -
 با تعجب از این عمل تعریف می کردند .
 اکثریتی ها از این کار عجبانی نشده
 بودند، عکس العمل مدرسه هم این بود که
 مستخدم مدرسه دانش آموزان را با زجوشی
 بدنی گردولی موفق نشد اعلامیه ها و پخش
 کنند تا ترا پیدا کنند.

قزوین - دبیرستان متحدین :

دانش آموزان کلاس چهارم ریاضی روز
 ۱۲ آبان به عنوان اعتراض به دبیر -
 هنده که قادر به تدریس این درس نیست
 (زیرا که قبلاً دبیر دینی بوده) جلوفتر
 مدرسه مجتمع کرده و خواستار تعویض دبیر
 فوق میشوند. بهزاد پورمدیر مدرسه در
 پاسخ به دانش آموزان میگوید ما دبیر
 دیگری نداریم یا با بداین دبیر بیاید
 و یا خودتان درس را بخوانید. یکی از
 دانش آموزان گفت پس چرا دبیرهای
 خوب را اخراج میکنید، مثل آقای حاج
 سیدجواد، در این موقع یکی از جاسوسان
 انجمن اسلامی گفت او کافر بود و حقیق
 ندین نداشت. یکی از بچه ها در پاسخ این
 مزدور گفت: شما به هر کسی که مخالف شما
 باشد کافر خطاب میکنید! خرنمیدانیم
 هندسه ای را که بقول شما یک کافر تدریس
 میکند یا هندسه یک دبیر مکتبی چه فرقی
 دارد. شما فقط حرف خودتان را با زور
 پین میبیرید اما علیرغم نارضایتی شدید
 دانش آموزان مجدداً این دبیر به کلاس
 آمد و گفت آنها که میخواهند مرا تعویض
 کنند به خاطر درس که بخاطر ما شل
 سیاسی است!

همدان

دانش آموزان پیشگام همدان طی
 اعلامیه ای مردم را به مبارزه علیه
 سرکوب و احتیاق و وپاسداری از آرمسان
 شدای ۱۳ آبان دعوت نمودند. در این
 اعلامیه آمده است:

۱۰۰۰۰ سال در شرایطی به استقبال
 "۱۳ آبان" روز دانش آموز میرویم که از
 اول سال تحصیلی جاری سایه شوم -
 دیکتاتوری و خفقان در تمام مدارس
 ایران گسترده شده است
 نباید اجازه داد که ابتدائی ترین حقوق
 صغی و انسانی ما پایمال گردد
 خواست توقف یا کساری، لغو کلیه -
 محدودیتهای شغلی و خواست آزادی -
 عقیده در مدارس با زکشت تصفیه شدگان
 انقلابی، آزادی دستگیرشدگان و لغو
 تفتیش بدنی دانش آموزان و . . . در زمره
 ابتدائی ترین خواسته های است که باید
 حول آن یک مبارزه گسترده را علیه
 سیاستهای رژیم حاکم در مدارس به پیش
 ببریم. اتحاد معلمان با محصلین مبارز
 میتواند وسیله استوار رد بر سیاستهای
 ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مدارس
 بوجود آورد.

سربینسدر - دبیرستان کوسر
 دبیرستانها در این منطقه از مهر
 با رشد دبیرستان فوق دروسط شهر
 و روبروی کمیته سپاه پاسداران است .
 مدیر دبیرستان هم یکی از ساواکیهای
 کارآموخته رژیم شاه و مزدور رژیم کنونی
 است که تاکنون چندین دانش آموز را -
 اخراج کرده است. دانش آموزانی که
 برای . . . ما میاندید بخاطر اینکه

خواهیم برادران آنها در زندان است از
 نامتووسی خودداری میشد. در مورد حساب
 اجباری هرکس سه بار موهایش چه در سر
 کلاس و چه در حیاط مدرسه دیده شود از مدرسه
 اخراج میشود.

در مدرسه یک کمیته امنیتی (سا و ما)
 تشکیل شده که راهبده سپاه پاسداران بسا
 مدرسه است سه دانش آموز دختر بنامهای
 ۱- سلیمی (دوم تجربی) ۲- معتد خنوا
 (چهارم تجربی) ۳- عالییه پور هوپه (دوم -
 تجربی) و دو پسر بنامهای رضا گودرزی -
 (یا داوود) و مهدی زبیدی (پاسدار) -
 اعضای سا و ما هستند و حتی زبیدی جزو
 تیم گشتی میباشد (این مدرسه نصف روز به
 پسران و نصف روز به دختران اختصاص
 دارد) در این دبیرستان علیرغم جو
 خفقان، هنگامیکه یکی از دانش آموزان
 را میخواهند اخراج کنند با مقاومت
 سرخشا نه کلیه دانش آموزان بجز سر
 حزب اللهی ها مواج شدند.
 دبیرستان ابودرغفاری - هنگامیکه
 در تاریخ ۶/۷/۲۵ در یکی از کلاسها،
 دانش آموزان به نامهایند انتصابی خود
 که از سوی مسئولین مدرسه انتخاب شده
 بود و جزو جاسوسان بودا اعتراض کردند
 قرار شد رای گیری صورت گیرد. دو حزب -
 اللهی و دودا دانش آموز دیگران دیدند
 اما پس از سه بار رای گیری و باطل آن
 بدلیل اینکه جاسوسان انتخاب نشده
 بودند معان مدرسه شدت خشکین شد و
 دانش آموزان نیز می گفتند مثل انتخابات
 قلابی دوشان میخوانند عمل کنند و وقتی
 رای گیری بنفع شان نیست باطل اعلام
 میکنند.

سین

دانش آموزان پیشگام سنندج طی
 اعلامیه ای که در تاریخ ۶/۷/۶۰ منتشر
 کردند ضمن محکوم کردن سیاستهای ترور
 و اختناق رژیم، رهنمودهایی به دانش
 آموزان داده اند. عنوان این اعلامیه
 مدارس را به سنگرمبارزه علیه سیاست
 ترور و اختناق تبدیل کنیم می باشد -
 وظیفه دانش آموزان انقلابی را با این
 ترتیب اعلام کرده اند:

- ۱- ابتدا با بدتویک تیز حملات خود
 را علیه اخراج، دستگیری و تصفیه قرا ردهیم
 و نگذاریم رژیم مدارس را بدون حضور -
 نیروهای انقلابی بگشاید. در میان -
 دانش آموزان اخراجی و تصفیه شدگان
 تشکلهای اولیه را بوجود آوریم و اهداف
 رژیم را از بنیوه یا کساری و تصفیه در
 وسیعترین شکل در میان پیوندها تبلیغ
 نماییم.
- ۲- در مدارس افشاگریهای سیاسی
 را وسیعاً سازمان دهیم و رابطه -
 سیاستهای رژیم در مدارس را بسزای
 توده های دانش آموزی تشریح نماییم
 و در این راه با دبیرین پیشروترین
 اقشار دانش آموزان تشکلهای مخفی
 مستحکمی را سازمان داد. و با توجه به
 شرایط کار مخفی خود را از ضربات رژیم
 محفوظ داریم ولی این به معنای نفی
 استفاده از زبویه های علنی مبارزه با در
 نظر گرفتن شرایط نمیشود.
- ۳- باید حول شعارها و مبارزات -
 دمکراتیک تمامی نیروهای ممکن را
 گرد آورده و عوام ملو جاسوسان رژیم را
 کاملاً افشا کرده و این عناصر را در بین
 توده های دانش آموزی طرد و منفرد
 نماییم.
- ۴- ضمن افشای سیاست رفرمیست
 های هوا دارا کثرت و حزب تسوده
 خائن برای آخرین بار به هوا داران -
 آنان اخطار میکنیم که اگر به دنبال روی
 از خیانت رهبران نشان ادا مدهند در

پیشگاه خلق محکوم بوده، بخشیده نخواهند
 شد و آنان را شریک جنایت های جلادان
 رژیم محسوب خواهیم نمود.
 ۵- بیوند مبارزاتی خود را هر چه
 وسیعتر با توده ها مستحکم گردانیم، -
 مسائل توده ها را بشکل ملموسی بسا
 مبارزات دانش آموزی گره بزنیم و عملاً
 به دانش آموزان نشان دهیم رژیم کجاست
 آنها را سرکوب میکند همان رژیم است
 که کارگران و زحمتکشان و خلقها را
 سرکوب میکند. و مسائل دانش آموزان
 را به میان توده ها ببریم.
 ۶- رفقا خود را فقط به تشکلهای
 دانش آموزی محدود نکنیم، با بسند
 وسیعترین نیروی ممکن را در جهت -
 تبلیغ و ترویج مسائل علمی جنبش
 بسیج نماییم. با شعار نویسی و پخش
 اعلامیه ها فعالیت خود را گسترش بخشیم.

تهران

رژیم جمهوری اسلامی پی برده است که بعد
 از دانشگاه مدارس یکی از بگها یورش
 اندیشه، آگاهی و پیشبرد مسائل انقلاب
 است با شدت هر چه تمام تر به کنترل -
 با زورسی . . . دانش آموزان برداخته و
 در نظر دانش کوچه گری زمین برداشته
 دانش آموزان را از زمین ببرد. در مدارس
 علاوه بر تفتیش بدنی، تفتیش عقاید و
 جلوگیری از هرگونه بحث حول مسائل -
 جامعه شدت جلوگیری میشود اما علیرغم
 کلیه فشارها، تهدیدات و جواختناق
 مبارزه با اشکال مختلف جریان دارد.

روز سه شنبه ۶۰/۷/۲۱ ساعت ۷/۵ صبح
 از بلندگویی مدرسه قرا سر بخش میشد، اما
 دانش آموزان توجهی با این مسئله نداشتند
 و بکار خود مشغول بودند یکی از جاسوسان
 انجمن اسلامی پشت بلندگورفته به عدم
 توجه بچه ها اعتراض کرد و سپس از زمزمه
 خواست که دستها را بیکدیگر کرده و دعائی
 کمیل بخوانند. پس از اینکه چندین
 بار در خواست خود را تکرار کرد و مطیع
 نمود که برای درهم گشتن منافعین و
 دشمنان این مدرسه اینکارا قدامت کنند
 تنها ۱۰ دست که متعلق به ۵ نفر انجمن
 اسلامی بود، این دعوت را پاسخ گفتند
 و سایر دانش آموزان با بی اعتنائی
 به این دعوت مشت محکمی برده شان
 مزدوران گوییدند.

همچنین در یکی از مدارس که بی
 جنگ زدگان اختصاص یافته مدیر مدرسه
 از دانش آموزان خواست که تا یک هفته
 دیگر همه با یدورسری ضمیمه بیوشند،
 پس ازیک هفته مدیر مدرسه کلیه دانش
 آموزان را که بهمان وضع سابق ادا
 داده بودند با زخواست نمود و آنان را -
 متهم به فساد خلاق کرد. دانش آموزان
 گفتند اگر قرار باشد هر روز برای هر
 بخشنامه ای مجبور شویم چیز جدیدی
 بخیریم مکان مدرسه آمدن ما نیست، ما
 جنگزده هستیم و با رجه متری ۱۸۰ تومان
 نمیتوانیم بخیریم. مدیر گفت من این
 حرفها سرم نمیخورد تا دوروز دیگر بیاید
 حتماً "روسری ضمیمه بیوشید و دانش آموزان
 معترض گفتند: "بله سرش نمیشود، یعنی
 اینکه بروزدی کن ولی حتماً ظاهر
 اسلامی داشته باش آنها فقط ظواهر
 در نظر میگیرند بیخود نیست که بسیاری از
 دزدان بزرگ، ساواکیها و . . . ظاهر
 اسلامی پیدا کرده اند.



اخبار شهرستانها

شهران

شرکت واحد

طرح زنا نه و مردانه کردن اتوبوسها
با مقاومت مردم با شکست مواجه شد.

پس از تصمیم به اجرای زنا نه و مردانه کردن خطوط بطور آزمایشی سه خط برای این کار در نظر گرفته شد. اما به علت درگیریهای متعدد و اعتراضات زیاد در این خطوط که بارانندگان، کمک رانندگان و مسئولین خطوط پیش آمد، اجباراً طرح مزبور اجرا نشد. مدیرعامل شرکت واحد وظیفه نظرخواهی دربارۀ این طرح را بعهده روابط عمومی شرکت گذاشته بود. این نظرخواهی که بصورت مباحثه ها با مردم روی نوا ضبط شده بود حاکی از ضعف ناراضی مردم از این طرح بود. برخی از آنان در نوار حتی بی مهابا به ناسزاگویی پرداخته بودند. شکست عملی طرح در خطوط آزمایشی و نوارهای مباحثه چنان خشم مدیرعامل را برانگیخت که یکبار به دستور اخراج مسئول روابط عمومی را صادر کرد و در عین حال دستور داد که کلیه کارکنان روابط عمومی را به شرکت راه ندهند. (زیرا این بار امت حزب الله آنچه را که مدیران میخواهند ننگفتند بودند) حالت اینجاست که مسئول روابط عمومی خود از زندگان و وابستگان نسیه انجمن اسلامی است و اخراج وی تضاد بین مدیرعامل و انجمن را نیز تشدید کرده است. بهرحال تلاش های بعدی منجر به تعلیق دومه کارکنان روابط عمومی گردید.

تزیین

پس از اعدام یکی از انقلابیون بنام سعید (مجاهد) خباز، وقتی خبر به گوش خانواده اش میرسد، خواهرش به خیابان می آید و مرگ بر خمینی میگوید و از مردم میخواهد که به خیابان بیایند. پسرش به خواهرتوصیه میکند که گریه نکن امشب شب عروسی پسر است و شیرینی بپوش می کند. پدرش به سپاه ساداران رفته و از آنها خبر پسرش را خواسته ولی آنها ندانند پدرش گفته لا اقل یک لنگه کفش بچام را بدهید ولی باز هم آنها امتناع کردند.

همدان

مجاهد شهید فرشته ایمانی که پس از دستگیری شدت مورد شکنجه قرار میگیرد به بیماران منتقل شده و یک تا هفت عینی در بیمارستان میگوید هنگامیکه او را به بیمارستان آوردند و نیمه جان بود پس از نیم ساعت چندپا سادازان و ربه را هرو بیماران برده حدود ۱۱ گلوله به شکم وی شلیک میکنند بطوریکه تمام حشاه او بیرون میریزد اما ساداران سرما به به پدر شهید میگویند و در هنگام دستگیری فراگردما مجبور به شلیک شدیم و سپس او گشته شد.

همدان

در ساعت ۴/۵ روز ۸/۱۹ با ساداران سرما به یک تاکسی را که حامل دو سافر بود در خیابان تهران برگیرا میزنند. که در اثر آن یکی از دو سافر کشته و دیگری زخمی میشود. حدود ۱۵ نفر از مردم جمع میشوند به ساداران اعتراض کرده و علت را جویا میخوند. ولی ساداران در جواب مردم را تهدید کرده و از آنها

میخواهند متفرق بشوند و رواننده تاکسی را هم به علت اینکه آن دو سافر را پیاده نکرده بود توقیف کردند. این حرکت ضد خلقی پا ساداران مردم را بشدت عصبانی کرد و آنها ناراضی بیتی خود را با فحش دادن بیان میکردند.

بنابراین به دعوت ستاد بسیج اقتصادی برای تشکیل شرکت های تعاونی قرار بود که مردم کوچه ۱۷ شهیورخیا بیان کرمانشا در مسجد محل نمازینده شان را انتخاب کنند. مردم آنجا آمده بودند که نمازینده ای انتخاب کنند ولی قبلاً برایشان نمازینده ای مکتبی و حزب - اللهی را انتخاب کرده و معرفی اش کردند. مردم اعتراض کرده و خواهان انتخاب نمازینده واقعی خود بودند ولی مسئولان توجه نمی کردند. عده ای از زحمتکشان نیز به گرفتن اجباری ۱۵۰ تومان اعتراض کرده و به این ترتیب مردم مسجد را ترک می کنند.

زنجیان

زندانیان سیاسی زندان سپاه رنجان تحت اذیت و شکنجه بسیار رفتار دارند. گفته میشود عده ای حدود یکصد نفر از زندانیان آنجا دگی خود را جهت اعدام شدن اعلام کرده اند. این حرکت اعتراضی است علیه شکنجه ها، بخصوص شکنجه های روانی مثل صحنه اعدام قلابی و ...

یورش پا ساداران مزدور به مردم زحمتکش آبیوردی - به نقل از خروش شماره ۸

در هفته گذشته پا ساداران سرمایه محله زحمتکش نشین آبیوردی را به محاصره خود در آورده و شروع به خانه گردی نمودند. در این یورش بیش از ۱۵۰ تن از مردم زحمتکش محله دستگیر و تعدادی نیز زخمی شدند. با ساداران مزدور که از ساعت ۴/۵ صبح محله را به محاصره در آورده بودند هرگونه رفت و آمدی را در آن منطقه ممنوع و افراد را برانیز مورد بازرسی و سؤال و جواب قرار میدادند.

مزدوران رژیم با این عمل خود نشان دادند که قدر دستگیری توده ها و نیروهای انقلابی ناتوان و علی رغم تبلیغات عوام فریبانه رژیم هیچ پایگاهی در بین توده های زحمتکش ندارند. این حرکت مزدوران خشم توده های زحمتکش را نسبت به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی صدچندان نمود.

اعدام انقلابیون در کارزورن - به نقل از خروش شماره ۸

حدود دو ماه پیش چندین نفر از انقلابیون در ممسنی دستگیر و به کارزورن اعزام میشوند. در تاریخ ۴ مهر ۴۰ نفر از این انقلابیون بنام های عباس سرکورش (کیانی هوادار راه کارگر، شهیا زسالاری، علمی برانزینکی) و الله عزیز (از هواداران مجاهدین خلق در کارزورن بدست دژخیمان رژیم پشهادت می رسند. شهادت این انقلابیون تنفروا نیز از مردم در ممسنی برانگیخت و توده ها با شرکت با شوه خود در مراسم تشییع جنازه شهدا خشم خود را بزعلیه رژیم به نمایش میگذارند.

اهواز

در تاریخ ۶۰/۸/۱۳ در اهواز فالانسی که سوار یک جیب استیشن بودند از ماشین پنهان شده بودند که یک سگسار فروش را به هم ریختند و با تهدید اسلحه سگسار را بردند. او را بستند، دهگه دار که معلوم بود از او رگان است و وزن و بجه ها پیش نیز در گنا زده بودند در مقابل اعمال فالانسیها ایستادگی کرد. او می گفت: "چرا"

سگسارها را می برید، من خرج زن و بچه هایم را با فروش آنها درمی آورم، یعنی میگویند دزدی نکنم... در آنجا مرد سگسار فروش که صورتش از عصبانیت سرخ شده بود حرفش را نیمه تنه گذاشت. مردم کم کم دور آنها جمع شدند مردم بوضوح از دهگه دار رشتیانی می کردند. فالانسیها که وضع را نامناسب دیدند سگسارها را داخل ماشین گذاشتند و از محل دور شدند. در تمام این مدت فالانسیها کلت های خود را بیرون آورده بودند و دهگه دار رومعترضین را تهدید میکردند.

چندی پیش فالانسیها که سوار ماشین بودند، ماشین را تعقیب کردند. به آنها ایست داده و دوسرین را با ماشینشان به محل خلوتی بردند و گفتند که شما ضد انقلابید، ما شما را تعقیب کرده ایم پس آنها را مفصل زده و به آن رنگ پا شدند و ماشینشان را بردند. فردای آنسروز که سرنشینان را شین برای پس گرفتن ماشین به یکی از کمیته ها (کمیته صحرا) رفتند دیدند ما شینان آنجا پارک است جریان را گفتند، مسئول کمیته گفت که ما خبر نداریم. دیدیم که ما شین همینطور گوشه ای پارک است آنرا اینجا آوردیم. ما بهای این اعمال در اهواز زیاد است.

دزفول ۶۰/۷/۲۵

در این روز رژیم سفاک جمهوری اسلامی هشت تن از انقلابیون را به جوخه های اعدام سپرد. رژیم کوشید تا این جنایت ازیسد مردم پنهان بمانند. با ساداران ۴ جسد را به دور از چشم مردم به قبرستان ولی آباد (بطرف جاده شوشتر - سیاه منصور) بردند و به خاک سپردند. رژیم از اعلام رسمی خبر خودداری کرد اما بزودی خبر این جنایت در شهر پیچید و تنفس هر چه بیشتر مردم را علیه خاندان جنایتکار رژیم خمینی جنایتکار برانگیخت.

سربین

مقاومت جنگزدگان در مقابل تخلیه اجباری منازل - در تاریخ ۶۰/۷/۲۸، ساعت ۱۲/۵ ظهر ما شین سپاه جهت تخلیه منازل آنها که قبلاً متعلق به فرهنگیان مجرد بوده و از چندی پیش به جنگ زدگان اختصاص یافته بود میاید. رئیس اداره فرهنگ بهرماه دوپا سادازان زده و به طرف عده ای از مردم محل میروند و پرخاش کنان از مردم میخواهد که خانه ها را تخلیه کنند. مردم که پس از زدن مدارس از این تهدیدات زیاد دشمنانه ندانند بوزخند و تمسخر در مقابل تهدیدات و مقاومت میکنند. او که بی تفاوتی مردم در مقابل تهدیدات خود می بیند شروع به داد و بیداد و وعده و وعید می کند و میگوید: "به شما پول میدهم که کبیر (خانه حبسری) یا چادر بزنید و ... ولی جنگ زدگان که بی مسئولیتی زمستان با رسال را تجربه کرده بودند - موافقت نکردند و او که دید در مقابل اتحاد یکبار چه مردم کاری نمیتواند بکند. در حالیکه بر میگشت گفت "هاکم شرع را می فرستم سراغ شما زبان نفهمها تسنا حسابتان را بزنند."

در تاریخ ۶۰/۸/۲۳ ساعت ۱۰ صبح در ایستگاه سربیند رقطاری متوقف شد که حامل ۷۰۰ دستگا ۷۰ مبولانس بود که از آمریکا خریداری شده و مستقیماً "به سربیند خمینی منتقل شده بودند تعدادی از مردم جمع شده و نظاره گر صحنه بودند - تعدادی نیز شمار مرگ برای آمریکا میدادند در همین موقع یک مرد حدوداً ۶۰ ساله در حالی که مشت خود را به سوی مبولانسها گره کرده بود در فربا دزد مرگ برای آمریکا ویکی دیگر از ضربین گفت مگر خمینی نگفت ما بقیه در صفحه ۱۹

اخبار شهرستانها

رابطه با آمریکا را میخوایم چه کنیم پس
چرا از آمریکا مبولانس میخورد؟
فلاحیه (شادگان) - ۶۰/۷/۲۷:

وقتی رفت و آمد در شهر بجز برای نجات
لودرها، گریلوها و... شهرداری نیز
شروع به کار کرده، به تخریب ساختمانهای
موجود در دو طرف تنها خیابان شهر
مشغول شدند. عا برین با بهت و وحیرت
و سادگی با ختمانیهای مذکور با عیظ و
غمی فروگرفته به این عمل ضد انسانی
نگاه میکردند. شهرداری و سببها ساداران
فلاحیه (شادگان) طبق طرحی که در
فرمانداری به تصویب رسیده مبنی بر -
بلوا کردن خیابان اصلی شهر، با خطایهای
حدود ۲ هفته پیش با خیابان اصلی شهر
خیابان اعجاز نما زده را و صاحبخانهها
داده شده آنها ۱۵ روز وقت داده اند که محل
را تخلیه نمایند. فقط به آنها قول داده
بودند که زمین و ساختمانها را به آنها
کوئی بسیار پائین نیز نبوده است از آنها
بخردند. (البته فقط قول بود) و اینک
موعدا تمام یافته بود، خرابکاران رژیم
جهت خراب کردن خانه های مردم و سادگان
بلوا ربه منظور زیبایی شهر به توده های
هجوم آوردند. مردم چون جانی ندا شدند
بروند، مغازه دارها که نمیتوانستند
مکانی به موقعیت آن محل بیا بیند و از
طرفی هیچ اطمینانی به قول حکومتیان
ندا شدند، به خاطر بی تفاوتی و
تخلیه محل خودداری کرده بودند. وقتی
لودرها به دیوار خانه ها هجوم میبردند،
با ریزش دیوار، آهی از آنها دهنده ها
بر میخواست، ساکنین به سرعت با خمی
برون از حد در تردید بودند که جدا قتل
انسانیه و سبب خود را نجات دهند.
تعدادی التماس میکردند که اجازه
دهند در و پنجره را دریا روند، اما گوش
خرابکاران بدهکاران حرفها نبود.
مردم جهت کشی در برابر راجا حیم و عیبا
می با قدمی فرو شد و یک خانه کلی محقر
در این مسیرداشت، وقتی هستی خود
را در معرض دید بودی دیدار ادا قتل
خیابان شده ادا در "خراب کنید، من
همینجا می مانم تا زیر آوار بمیرم" میزد
دیگری در حالیکه طفلانش را جمع میکرد
فریاد میزد "اینکار شما هم مثل بمب -
با ران کردن صدام، تا زنده شما از صدام
همکاران فرزندانه فقط به کمک نمیکنید
بلکه خانه ها را بر سرمان خراب میکنید،
حتما " این کارتان نیز اسلامی است"
چند نفر از عناصر صراشا شکار و حزب الهی
دوران زحمتکشان طغیان زده گرفتند
و با زبان شهید و تظلم سستی کردند
آنها را از نموده، از محل دور نمایند.

فلاحیه (شادگان) - او خرابشور -
فشار حکومت بطور مضاعف بر آوارگان
ادا مدها را، با فرارسیدن مهرماه و آغاز
سال تحصیلی، با ساداران ضد خلقی
رژیم جمهوری، بهانه های گوناگون کرده و به
توده های که در مدارس سکنی یافتند
بودند هجوم برده آنها را از مدارس بیرون
انداختند. در فلاحیه نیز با ساداران پس از
دادن یک روز مهلت به آوارگان ساکن
در دبیرستان خمینی (فردوسی سابق)
به دبیرستان مذکور هجوم آورده و در میان
جعبه گریه و ادو فریاد زدن و کودگان
اشا و سبب توده ها را بیرون ریختند
و هر که را میخواست اعتراض کند تهدید به
دستگیری و زندان می کردند. آوارگان
مزبور که وضع را چنین دیدند به فرمانداری

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفته تا از فرماندار کمک بگیرند آنها
فکر میکردند تا بد فرماندار آنها را
بگیرند، اما فرماندار که خود در طرح این
نقشه بی تصمیم نبود، کار با ساداران
تا شیدویا تهدید توده ها را و ادا میکرد
که به شهید و تنبیر بیرون آوارگان -
میگفتند، اما اغلب در ماه شهر، سرینسدر
و با خود فلاحیه را ریم کار میکنیم و تا زنگ
می توانیم سرمایه شمال کشور را تحصیل
کنیم، بنا بر این مجبوریم اینجا بمانیم
حد اقل ما چار در بهید در نخلها بزنیم.
فرماندار این پیشنهاد را رد کرده و
در حالیکه آوارگان را تهدید میکرد فریاد
میزد با بده چهره و در تبر و بوی دیگر پیدایتان
نشود.
آوارگان با لاجبا را سبب و اشائیه
خود را در نخلها آورده و با تنی و بزرگ درخت
خرما به سادگان کپرها تنی جهت زندگی
پراشاد خندند.

حدود بیستم مهرماه که رگزان انبار
ما در آن شرکت نفت (قسمت بخش) در برابر
یا ساداران دست به حرکت جالبی میزنند.
آنها که مطلع شده اند سببها تعداد ردتحت
پوشش و بهانه آواردن اما مجمع برای
کارگران دست به جاسوسی در میان
کارگران زنند، تصمیم میگیرند یکی از
کارگران خودشان را که در عین مذهبی
بودن فردی دمکرات و متدین میباشند،
به ما مت جمع برگزینند و چنین نیز
میکنند. این حرکت کارگران نشان داد
که طبقه کارگر قدا در به خشن نمودن هر
اقدام ضد انقلابی حاکمیت می باشد و پیش
از پیش عوام فریبی های او زپرده سیون
افتاده است.

طی بخشنامه ای که در تاریخ ۶۰/۸/۸
به ادارات محلیات ما شهر سردر گزار
نما روزانه را در راه هر روز ساعت -
۱۲/۱۰ تا ۱ بعد از ظهر اجباری میباشد.
لیکن خانه ها نمیتوانند بعلت قلت جا
در خانه های خود عیادت را بجا بیاورند!
همچنین در این برکتها مذکور شده که
خواهران از تاریخ ۶۰/۸/۷ باید -
اونفورم (یعنی لباس و شلوار منتهه)
بپوشند و در صورت عدم رعایت اونفورم
از خدمت منصرف خواهند شد. با این ترتیب
سعی میکنند با ایجاد فشارهای گوناگون
کارمندان را و ادا ربه استعفا نمایند تا
کمکی به کمبود رزوکس خالی دولت باشد.
در هفته گذشته وضع کار ژوئیل در
ما شهر خیلی خراب بود. گویا دو کشتی
یکی هندی و دیگری بنام ایران رضوان
توسط عراق در تنگه هرمز غرق شده که
به همین علت کشتی های که برای ایران
کار ژوئیل آورده اند (ژلینی و...) نتوانستند
نتوانستند ادبا وجود مانع در تنگه خود را
به بنادر ایران (بندر خمینی) شاپور
برسانند. به همین جهت صف کارمندان
سنگین برای گرفتن کار ژوئیل بسیار
شلوغ بود. (در حدود آبان) همچنین
مدتی است که بیخاطر حلات بی در پی
هوای عراق کشتی به بندر خمینی وارد
نمیشود.

لرستان

ظهور اسمی از سوی خانواده شهیدای
خلق بر مزارشان برگزار شد در این مراسم
که جمع کثیری شرکت کرده بودند ابتدا
چند نفر از اعضای خانواده شهیدان
رابطه با خصوصیات و آرمان فرزندان
که همانا رها تنی کارگران و زحمتکشان
از هر گونه ستم و استعمار... سخن گفتند
و سپس وصیت نامه یکی از شهدا قرائت



شددرا بین هنگام که مدها افشا گریه ها
گسترش می یافت و جانیات ردیانه رژیم
اشکارا میگردید با ساداران سرما به سبب
خانواده شهیدان پورش برده و بی شرمه
ما در آن ویدران پیرا برده و قرا
دادند و این خصوصیت تمام رژیمهای
ضد خلقی است که در میان مردم با یگا
ندا رند در همین رابطه تعدادی نیز
دستگیر شدند.

در بر وجود سادگان ختمانی جدیدی در
خیابان خرم نزدیک چهار راه ختمانی
میشود که ظاهرا برای دادگستری است
اما زبیر زمین آن برای زندان ساخته
شده است.
طبق گفته یکنفر بسیجی، رژیم به هر کس
که بیگنفر از نیروهای انقلابی را بکشد
۱۷۰۰ تومان جایزه میدهند.
در مهرماه نیز را بسیج برود با بعد
گسترده ای یافته و هر روز که میگردد
دسته از فراد که نا آگاهیها به خدمت
در این ارگان ضد خلقی جلب شده بودند
حاضر به همکاری و جانیات نشده و مزدور
را به جیره خواران رژیم میسپارند.

رفقای هوا داران زمان در بر وجود در رابطه
با شهادت چند فدائی خلق اعلامیه ای منتشر
کردند در این اعلامیه آمده است:

ببارای ابرتوفانی، ببارای انقلاب خون
..... هنوز از شهادت رفقا ما هیگس
وفتوتی چند روزی نگذشته بود که رژیم
با زهم جانیات آفریدند و با گلوله های سربی
قلب چون آتش فدائی خلق رفیق مرتضی
طباطبائی، این رهرو را که رگزان و زحمتکشان
را به همراهی ۹ رزمنده دیگر خلق از حرکت
با زدا شدند.

آری در این جمهوری سیاه هر کس که
خواهد تغییرات اساسی باشد، باید که از
جان ما بگذارد، باید که فدائی باشد و
رفیق برضی یک فدائی بود، نمیتوانست
آرام بگیرد در جایی که تمام حقوق -
کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم
ایران با بگونه ناخواسته مورد تاراج
میرود. چگونه میشود فدائی بود و نتوان
نظاره گر این همه جانیات و بدبختی و
بی عدالتی ماند، نه، و نمیتوانست
همچون خائنین "اکثریتی" باشد -
مسلخ بردن خلق باشد و هیچ نگویسد
و هیچ چاره ای نبیند، و چنین بود که
با پیروی از آرمانهای سازمان -
انقلابی در پیشا پیش خلق جانش را به
مشابه هدهای ناچیز در طبق اخلاص
نهادند.

رفیق العالی پاسبان بود
ولی نه پاسبان نظم سرما به داران، او
همچون دلیر، کجانی و غلوی خواهان
نظمی بود که در آن هیچکس گرسنه و بی
سربنا نباشد، کار برای کارگران، زمین
برای دهقانان، مسکن برای زحمتکشان
و آزادی برای خلق فراهم باشد. آنان
با شعار استقلال - کار - مسکن، آزادی
به میدان آمدند و این جمهوری اسلامی
جزو گناها "کبیره" است و سزائی جز
مرگ ندا رد و رفقا چه خوب این را
میدانستند و چه خوب از عهده این مهم
برآمدند. بیشک خلق خون قدا شانش را
پاس خواهد داشت و آن پرچمی خواهد
ساخت سرخ سرخ و آنرا بر بلندای
آسمان پرستان و انقلاب خواهد فراشت،
تا افشاگر جلادان حاکم و کثما بخش و
چراغ راهما را از حاکمان پراشاد و
را در بریای خونی که خود آفریده اند
غرق سازند.

گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق عبدالرضا غفوری



توضیح - در کارشما ۱۳۲۲ از آنجا که تنها به اعدام رفیق عبدالرضا غفوری اشاره شده و بیوگرافی رفیق در دسترس نبوده است تا چاپ شود، در این شماره به چاپ بیوگرافی کامل رفیق - میادرت میکنیم.

مرگم سیده دیگری است تا خونم برچم سرخ کارگران باشد

در انقلاب روشن فردا

بار دیگر دژ خیمان قرن فدائی - دیگری را از زیر خلق ربودند. رفیق عبدالرضا غفوری در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده کارگری در شهر نهاوند متولد شد. پدرش را از همان ۲ سالگی در یک سانحه برق گرفتگی هنگام کار از دست داد و سرپرستیش بعهده مادرش بود. بزرگترین افتاد مادرش در خانه سرمایه دارها رخت شویی میکرد. رفیق بدلیل شرایط زندگی از همان کودکی در کارگران و زحمتکشان راجس میکرد و در سال ۵۱ با اندک آگاهی در ارتباط با گروه بودجهت پیروزی کارگران و زحمتکشان از زیر پیوغ سرمایه داران - مفت خور فاعلیت سیاسی خود را آغاز کرد در اوج انقلاب آنقدر فعال بود که اکثریت قریب به اتفاق آنها و ندیها به پاکی و صداقتش قسم میخوردند. در او ایستل انقلاب با سازمان مجاهدین خلق آشنا شد و فعالیتها میازاتی خود را حصول این سازمان سازماندهی کرد بعد از انقلاب یکی از هواداران فعال مجاهدین خلق بشمار میرفت و بیشتر فعالیت خود را در محله فقیرنشین گلشن انجام میداد بطوری که با آگاه شدن زحمتکشان گلشن حاکمیت ترور و خفقان بخاطر ترس از این زحمتکشان مسیر را همپا کسی خود را که قبلا "از این مسیر بود عوض - کردند. بعد از انشعاب سازمان حصول مواضع اقلیت - اکثریت مطالبات فراوانی داشت در دومین هفته جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق بسا قبول کلیه مواضع سازمان نسبت به جنگ ارتجاعی و ما رکسیم - لتینسیم انقلابی به مراداران پرشور سازمان پیوست و فعالیت های خود را حول سازمان گسترش داد. او همواره میگفت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سازمان کارگران و زحمتکشان است. هنوز شعاری که با خط زیبای رفیق برد رویوا رهرو دبیرستانها نوشته شده تا حدودی مشخص است: "آزادی گروهگانه، دوستی بسا امپریالیسم دشمنی با خلق ما است"

گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق کامران علوی



قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان در درود - بعنا سبت شما دت چند روز منده خلق با زانبرکنسیم، شوری بسا کنسیم بهررها ئی خلق، آتش بسا کنسیم

بار دیگر دست جلادان خلقهای ایران و اهریمنان جمهوری اسلامی بخون چهار تن از زرمندگان فدائی و مجاهدان آغشته شد.

فدائی خلق رفیق کامران علوی و مجاهدین خلق بهلولی، صحبت علی و یا را حمدی را سرگام ۶۰/۷/۲۳ بطرف جوخه های جنایت بردند تا با خیال باطل خود با شما دت آنها مرگ انقلاب را جشن بگیرند، ولی آنها بسا سر افرشته و سینه ها بسا سبدر حالی که سرودرهای خلق و با بیداری زرمندگان خلق را زرمسه میکردند، جلوی گلوله های مزدوران - رژیم قرار گرفتند و با مرگ سرخ خود - انقلاب را تداوم بخشیدند.

آنها به جلادان ثابت کردند که خلق چون کوهی استوار و بیابرا در جلوییشان ایستاده و مزدوران را با رای مقابله بسا آنها نیست، آنها ثابت کردند که حتی با اعدام بهترین فرزندان خلق نه تنها خللی بر پیگرتنا و انقلاب وارد نمیشد بلکه هر قطره خون آنها گلوله ای خواهد بود بر سینه خدا انقلاب حاکم، هر قطره خون آنها ستاره ای خواهد بود در آسمان بسا ستاره خلق و خون آنها برچم سرخ آزادی.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
مرگ بر خمینیستی خون آشام
زنده باد دشوراهای مسلح توده خلق
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - درود ۳۰ شهریور/۶۰

شعاره فدائی، استقلال، کار، مسکن - آزادی - "چرا رژیم جمهوری اسلامی به بهانه بمباران عراق، کردستان را بمباران میکند و
رفیق در طول فعالیتش حول سازمان چندین بار دستگیر و زندانی شد، یکبار بچرم بحث در خیابان و یکبار بچرم شرکت در راهپیمایی سازمان در ۱۷ - بهمن بعد از ۳ ماه زندانی شد (زندانی - اوین). او بعد از زندانی با کوله بسا از تجربه و آگاهی فعالیت های خود را بسا شور فراوانی دنبال کرد تا اینکه در نیمه دوم مرداد ماه ۶۰ در نهاوند دستگیر و در ۲۵ شهریور در سرگام یک شب غمزه به خیل شهدای راه آزادی، راه رها ئی کارگران و زحمتکشان پیوست. او همانطور که سازمان گفته بود:
با ایدار مواضع کارگران و زحمتکشان دفاع کنید، دفاع کردید، قدم عقب نشینی نکرد. او در زندان اسطوره ای از مقاومت شده بود، برای دیگران - زندانی، کسانیکه در زندان تا حدودی بقیه در صفحه ۲۷

پتاب است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگر

گرامی باد خاطر شهیدای
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
آذربایجان

- ۱. شهیدان فدائیان خلق ابدالله سردیسی (۱۳۵۱)
- ۲. پرویز صبیحی (۱۳۵۵)
- ۳. شهیدان فدائی خلق ابوالقاسم سجده محمدیان
- ۴. شهیدان فدائی خلق پرویز پروینا (۱۳۵۸)
- ۵. شهیدان فدائیان خلق علی حسامی جوی و
- ۶. ابوالقاسم طبعی (۱۳۵۹)
- ۷. شهیدان فدائیان خلق ساجد اصالح - مبارزعی
- ۸. محمد علی یارسان - معزود کاربی - جلال دهقان -
- ۹. رحمت کزلی - حسن زکی راده

گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق عبداللهمزذانی



در سال ۱۳۲۸ در ابره در یک خانواده - زحمتکش متولد شد. دوران تحصیل را بسا مشقت بسا رطبی کرد و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم شد. رفیق همزمان با اوج گیری جنبش خلق در راهپیماییها شرکت فعال داشت و پس از قیام ۲۲ بهمن بدلیل توهمی که نسبت به رژیم داشت به عضویت کمیته محل در آمد اما از آنجا که بتدریج به ماهیت ضد مردمی این ارگان پی میبرد، بسا مخالفت با اهداف فدا انقلابی آنها برآمد به همین دلیل رفیق را اخراج کردند.
سپس رفیق به زنجان رفت و در دانشسرای راهنما ئی (تربیت معلم) استخدام شد - یکسال از زندگی خود را عاشقانه و فعالانه در خدمت خلق زحمتکش گذراند، در آنجا بسا رفقای دیگری آشنا شد و بکمک رفقا فعالیت سیاسی چشمگیری را سازمان داد و به همین دلیل نیز از دانشسرا اخراج شد. رفیق در سال ۵۹ به سر بسازی اعزام شد و بعد از گذراندن یک دوره سه ماهه آموزشی به جبهه اعزام شد و سرانجام در تاربخ ۶۰/۶/۲۱ شهادت رسید. جسدر رفیق در تاربخ ۶۰/۷/۱۳ به زادگاهش منتقل شد و طی تشییع جنازه بسا شکوهی که بسا شرکت اقشار مختلف مردم برگزار شد بسا سپرده شد. یادش گرامی باد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد